

نابود باد امپریالیسم جهانی
سرکردگی امپریالیسم آمریکا
وپایگاه داخلیش

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال سوم - شماره ۱۳۰

چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۳۶۰

۲۰ صفحه

علیرغم اخراجها، دستگیریها، بازجوییها و اعمال فشارها مدارس بسان بشکته باروتی آماده انفجار است

دانش آموزان محترمی و مبارزان عزیزان
امپریالیست خودداری کردند، عده ای از
آنان راهنگام امتحانات تجدیدی دستگیر
وروا نه زندانها کردند و اینک هم هر روز -
تعدادی از دانش آموزان را با زداشت می
کنند و با سلط کردن انجمنهای اسلامی بر
مدارس و همچنین دخالت دادن سپاه
بقیه در صفحه ۲

پرورش این عنصری ما به وزیران که
با جرای سوابق درخشان سرسپردگیش به
رژیم شاه در مجلس رژیم جمهوری اسلامی
توسط همیا لکیش خلغالی بر ملا کردید،
بلایا مله پس از انتصاب به وزارت آموزش
و پرورش اعلام داشت که "۱۳ سال یا بدسال
با کسبت حزب الله در مدارس با شده در اجرای
این هدف ضد خلقی بود که از نام نویسی



بگوشی با تمام توان مبارزات و اعتراضات تعماری

در شرایطی که رژیم تروروا ختنای بر
میهن ما با به افکنده است و همه روز و دهها
تن از انقلابیون ایران بجوخه اعدام
سپرده می شوند، و هزاران تن از نیروهای
انقلابی در زیر شکنجه های حیوانی و قرون
وسطائی رژیم در زندانها بسر می برند. در
شرایطی که انبوهی از کارگران، محصلین
معلمین، کارمندان مبارزان انقلابی بجزم
دفاع از آزادی، از انقلاب و منافع توده
های مردم اخراج شده و هزاران تن دیگر
در شرف اخراج، با زداشت و اعدام قرار
دارند، و خلاصه در شرایطی که سیاست ترور
و اختناق رژیم رعب و وحشت در میان توده
ها پدید آورده است، در چنین شرایطی
وظیفه ای بسیار سنگین و بهمان اندازه
سرنوشت ساز بر دوش نیروهای انقلابی
بویژه کمونیستهای ایران قرار گرفته
است. شرایط دشوار کنونی از کمونیستهای
ایران بزرگترین قهرمانها، فداکارها
و از خود گذشتگی ها را که با پددرسرت هر
انقلابی اصیل قرار داشته باشد می طلبد.
انقلابی کسی نیست که تنها در شرایط
سهل و آسان فعالیت قانونی میسازد
مبارزه سیاسی روی می آورد. انقلابی

نیروهای مسلح و انقلاب (۱) شهربانی

میدهد، چنانکه از هم اکنون نیز شاهد تقابل
نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در عرصه های
گوناگون هستیم. در این رابطه از آنجا که
در سرکوب و مقابله با حرکات توده ای و
نیروهای انقلابی، ارگانهای مسلح رژیم
بقیه در صفحه ۳

خود بویکی شرایط کنونی که همانا
کناکش بین انقلاب و ضد انقلاب است، حاد
شدن بیش از پیش بحران اقتصادی و ناتوانی
رژیم در برپا سگوشی به آن، نیروهای حاد
طبقه ای را در آینده ای نه چندان دور نوید

اعدامهای دسته جمعی انقلابیون رژیم و آرزو بحران کنونی نجات نخواهد داد

در قریب میهن ما به یکف آورده بودند، یکی
پس از دیگری مورد هجوم ارتجاع حاکم قرار
گرفت، فضای دمکراتیکی که پس از قیام -
میهن ما در میهن ایجاد شد، دیری نپاشید
و بتدریجی خود را به حاکمیت تروروا -
اختناق لحاظ گسیخته داد.
بقیه در صفحه ۸

هنوز غا طره جنايات و سرکوب های رژیم
تروروا ختنای بهلوی در اذهان توده های
ستمکنش میهن مان موجود شده بود، که سرکوب
رژیم جمهوری اسلامی و ارتجاع تازه بقدرت
زیاده بر فرق سر توده ها فرو آمد. آزادیها
که توده ها با نثار خون خویش بر سنگ
فرش می با آنها و جانفشانیهای عظیم خود

- در این شماره
- جنبش جهانی
 - جنبش کارگری
 - ارگان سازمانی و نقش آن
 - مانورهای دیپلماتیک رژیم

مرکز حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

بکوشیم باتمام توان...

بقیه از صفحه ۱

کسی است که دردشوارترین شرایط هنگامیکه هر لحظه خطر زندان، شکنجه و اعدام او را تهدید می کند، استوارتر از همیشه وظایف انقلابی خود را انجام دهد.

تاریخ اخیر بشریت بسخون است از فداکاری، از خودگذشتگی و قهرمانی کمونیستهای که در زیر چنگال خون آشام - توپین رژیم های تاریخ دشوارترین وظایف انقلابی را با تمام توان انجام دادند. تاریخ مگر نشان داده است که در برابر آرا ده بیولادین و مجرم استوار تیر و هسته های انقلابی هیچ مانعی را گامی ز نیست. انقلابیون در تحت هر شرایطی قادرند مبارزه خود را از پیش ببرند و توده های مردم نیز هیچگاه کسانیکه در دشوارترین شرایط در راه منافع و آرمانهای آنها مبارزه میکنند قرا موش نخواهند کرد. از این لحاظ کمونیستهای ایران یکبار دیگر در برابر بزرگ آزمون تاریخ قرار گرفته اند، آزمونی که نشان دهنده میزان ایمان و عشق خلل ناپذیر به توده های مردم و طبقه کارگر است، آزمونی کسبه حیثیت و اعتبار جنبش کمونیستی در سال های آینده بستن با این است که از این آزمون سرفراز بیرون آیند. اینست که امروز همه نیروهای انقلابی بویژه تمام رفقا و هواداران سازمان باید وظیفه دشوار و حساس کنونی را درک کنند و با تمام انرژی و ابتکار وظایف انقلابی خود را در شرایط کنونی انجام دهند.

امروز پیش هر اعلامیه و نشریه، نوشتن هر شما بر درود دیوار، بر انگیزتن جزئی ترین مقاصد و متها در برابر رژیم ترورو اختناق تیری است که مستقیماً بر قلب جنانیکه تاریح حاکم می نشیند. امروز هر تلاش شبانه روزی، هر استقامت و پایداری هر تحمل دشواری قدیمی است که بسیار دگنی فضای رعب و وحشت را در هم می شکند، زیرا این فضای رعب و وحشتی که رژیم پدید آورده است تا ملامت پوئالی و زلفر پیاس و نومیدی است. این شرایط نمیتوانند مدتی مدید با پایداری باشد. رژیم در چنگال یک بحران اقتصادی و سیاسی گرفتار است، بحرانیکه نه تنها با گذشت زمان مداوم با عداوت های بیخود گرفته است بلکه در همان حال ناتوانی رژیم را در مهار کردن آن با شیوات رسانده است و جنبندان نخواهد باشد که نتایج اجتناب ناپذیر خود را در حرکت توده های مردم و سقوط رژیم نشان دهد. اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی نشان میدهد که رژیم به هیچ وجه قادر نیست به اقتصاد جامع سروتا مان بخشد، بحران کنونی را مهار کند، نتایج های اجتماعی که تحت تاثیر این بحران مانده اند، نتایج شوند، تخفیف دهد و خود را از زوال فریب نماید. بحران نتایج بخشد، نه تنها در عرصه اقتصادی بلکه در عرصه سیاسی نیز رژیم و روشنگری خود را نشان داده و با شیوات رسانده است. رژیمی که بی پروا هر روز دهان را بخواه اعدام می سپارد، تنها و روشنگری اخلاقی و سیاسی خود را با شیوات می رساند، این رژیم بنا بدلائل اقتصادی و سیاسی قادر نیست بموجودیت نتگین اثر ادا میدهد، و هر چه فشار خود را

بر مردم بیشتر تحمیل می کند، بهمان اندازه نیز سقوط آن تسریع می گردد. بنا بر این تلاش و در جهت حفظ محیط رعب و وحشت دیری نخواهد پاید و بزودی انفجار عظیم انقلابی توده ها، طومار رنگین رژیم را در هم خواهد پیچید. ما تنها با این نباید بسنده کرد که فشارهای اقتصادی و سیاسی موجود در اینجا عظیم انقلابی توده ها را برخواهد انگیزت، بلکه با بدستهای تلاش و کوشش خود را بکار گرفت و با این انفجار را تسریع کرده، با پایداری در شرایط دشوار که هر روز دهها تن بخواه اعدام سپرده می شوند، نمیتوان در یک لحظه از توده های مردم انتظار حرکت گسترده و وسیع را علیه رژیم حاکم داشت. نباید از توده های مردم انتظار داشت که هتا نتدیگ عنعنمر آگاه از خود مقاومت و واکنش نشان دهند، در شرایطی که توده های مردم مرعوب شده اند با بدتلاش کرد که نزدیکترین ارتباط و پیوند را با آنها حفظ کرد، با بدتلاش کرد که از کوچکترین تجلیاتی نارضا یتی در میان مردم وسیله ای برای حرکت توده ای، سازماندهی اعتراضات فوران عظیم انقلابی توده ها پیدا کرد.

در هر روز نمیتوان مدها مسئله کوچک و بزرگ را پیدا کرد که از طریق آنها اعتراضات توده ای را برانگیزت. اما با پایداری و کوشش در شرایط دشوار کنونی، در شرایطی که کوچکترین صدای اعتراض مردم را در گوشه می کنند، مبارزات مردم را سازمان داد و چگونه با ایتتام جو بیایر - های پراکنده نارضا یتی را بیک سیلاب توفنده و بسیان کن بدل کرد و سکوت ناشی از رعب و وحشت را درهم شکست. این کار استقامت، سرسختی و ابتکار را می طلبد. با ایدحتی از پیش افتاده ترین و ابتدائی ترین خواستها و اعتراضات ساده ترین حرکات آغاز کرد. اگر هر رفیق کارگر در کارخانه ای که کار می کند، از کاهش دستمزد کارگران، مقاومت در برابر اجسراج، مقابله با زورگوییهای جاسوسان انجمن اسلامی و در برابر برهزاران فشار مادی و ملموس روزمره کارگران، آنها را به مقاومت و مبارزه برانگیزد، اگر هر دانش آموزی دوستان دانش آموز خود را به مقاومت در برابر اجسراج دانش آموزان و معلمین، مقابله با زورگوییهای انجمن اسلامی و امور تربیتی، مبارزه علیه خفان حاکم بر مدها رس، دعوت کند، اگر هر رفیقی وظیفه خود قرا زده که نارضا یتی مردم را ازگراتی و کمبودها بیجا جرز - مده در صف های طویل خریدارزاق سازمان دهد، اگر آوارگان جنگی که در بدترین شرایط بسر می برند، حول خواستهایشان بسیج کنیم و با اعتراض و اداریم، اگر کارمندان ادارات را به ایستادگی در مقابل اجسراج و کاهش حقوق دعوت نماییم و دهها مسئله دیگر.

آنگاه این جو بیایرهای پراکنده عظیم و نارضا یتی مردم بیک سیلاب عظیم رژیم بدل خواهد شد که هیچ نیروئی را - با رای مقاومت در برابر آن نیست. بکوشیم و تلاش خود را دهها بار بیشتر کنیم و با تمام انرژی و ابتکار خود مبارزات و اعتراضات توده ها را سازماندهی کنیم و آنها را بجای بله، مقاومت و ایستادگی در برابر ارتجاع حاکم و سرنگونی آن - فراخوانیم.

درس امروز آغاز حکم ارتجاعی نبرد علیه حکومت را گسترش دهیم

یکسال از آوارگی بیش از دویست میلیون زحمتکشی میگذرد که سرما و گرما را در بسبب مسکنی، گرمکنی، بیکاری و عدم امکانات بهداشتی در اردوگاهها بی سرپرده و بی برده کا لبها "فاقد حد اقل امکانات جهت زندگی" متنبأ شد. رژیم از همان لحظه شروع جنگ، آوارگان را خاشاک، فراری یا ضد انقلاب و غیره نامید. یکسال از دروغ عوام فریبی رژیم در باره کمک رسانی به آوارگان میگذرد و آنچه که در واقعیت به آنان داده است همانا سرکوب همه روزها و آوارگان در خوابگاهها، اردوگاهها در اشکال گوناگون میباشد. رژیم با ریختن آب به زیر پای آوارگان و مقابله با تصرف انقلابی آنها - نهای سرما پیدار آن ودولت و ایجاد درگیری و نزاع در بهوش شهرهای آبادانی و مقابله با تشکیل شوراهای آوارگان و شکار فرزندان انقلابی آنان بیش از پیش چهره کرب خورده خود را بنمایان گذاشته است و در نهایت به شدت فقر، فلاکت، بیکاری و بیگانه ای افزوده است. امروز ما آوارگان را بخوبی پی برده ایم که این رژیم آشکارا پیش به سوی کارگران و زحمتکشان ننموده و بلعکس نه تنها در مقابل به سیاست فریب و سرکوب - متوسل شده است بلکه با برآه انداختن این جنگ ارتجاعی بیش از پیش در جهت منافع سرما پیدار آن و تحا و بزرگوار زمین داران این متحدان داخلی امپریالیسم آمریکا مبردا شده است.

ولی در خوابگاهها و اردوگاهها و هر کجا که شوراهای واقعی وجود داشته و از حمایت آوارگان برخوردار بوده است حاکمیت نتوانسته است که بسیار دگنی سیاستهای ضد مردمیش را اعمال کند.

زحمتکشان جنگزده ای
شوراها را همه جا برپا کنید و در سنگر
شوراها مبارزه متحدانه و دورا نسا زکونی
را تداوم بخشیم. در هر کجا که هستیم، در کارخانه، مزرعه، مدرسه، محله و خوابگاهها
شوراها را تشکیل دهید.
حال بگذار که رژیم سرما پیدار آن در
ساکرد جنگ ارتجاعی جشن بگیرد و بپوشد
آوارگی و بدبختی ما معتاد نباشد و بجای ما
قطعات مدهای رنگارنگ در ارتباط با
تا شید جنگ (جنگ) ما در کند.
دیر نیست روزی که رژیم ضد انقلابی
جمهوری اسلامی نیز بر نوسنت منحوم تمام می
رژیمهای سرما پیداری دنیا رزده و بدست
توانای کارگران و زحمتکشان میبختان
به زبانه اندان تا ریخسپرده شود.
مرگ بر حرم جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای
انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان
هواداران جنگزده سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران - شیراز ۶۰/۶/۲۵

ورود کارگران گشور و وابسته گره جنوبی

به نیراز خیانت جدید رژیم

قسمتی از اعلامیه کارگران پیشرو صنعت
نفت جنوب - پالایشگاه آبادان

کارگران وزحمتکشان ایران!

هنوز زمان زیادی از قطع روابط ایران با گره جنوبی این کشور وابسته به امپریالیسم آمریکا نگذشته است که حدود صد تن از کارکنان این کشور تحت نام فریبدهنده کارشناسی از رجا و ردا بران شده و در مجتمع طرح گسترش پتروشیمی شیراز به کار مشغول شده اند.

آری نوکران امپریالیسم آمریکا در ایران اربابی میکنند. کارکنان گره جنوبی با حقوقهای گزاف به کارگمارده شده اند و در یکی از بهترینهای مجلل شیراز زندگی میکنند. در کارخانه آذرستان - جداگانه ای که برانسان حق ورود به آنجا را ندارد استفاده میکنند. حتی غذای آنان با کارگران و کارمندان ایرانی متفاوت است. به کوره ایها علاوه بر یک وعده غذای ساده و میوه نیز داده میشود (که به کارکنان ایرانی تعلق نمیکرد) این اقدام رژیم جمهوری اسلامی در زمانی صورت میگردد که پیش از پنج میلیون کارگر بیکار در سراسر کشور - داریم که بخش اعظم دارای تخصصهای عالی بوده و تجارت زیادی در اجرای پروژههای صنعتی بزرگ دارند علاوه بر این تعداد - زیادی از کارکنان مناطق جنگزده جنوب که دارای تخصصهای عالی در سطح بین المللی میباشدند نیز تا کنون کار بایی نشده اند و به همراه سایر کارکنان صنعت نفت با رها آمدگی خود را برای اتمام این طرح - (پروژه) به مسئولین اعلام نموده اند.

اگر امروز هتل مجلل در اختیار کارکنان گره جنوبی قرار داده شده، نمایندگان شورای صنعت نفت به جرم دفاع از منافع کارگران و خواستن مسکن برای جنگزدگان جنوب در شیراز ما شهر به حبسهای ابد و ده سال و پنجاه سال محکوم شده اند. شش تن از کارکنان همین طرح گسترش پتروشیمی شیراز به علت دفاع از منافع خود و همکاران از کار منفصل شده اند. کارگران سربند در جرم خواستن آب سرد در گرمای ۵۰ درجه جنوب بوسیله پاداران سرما به به گلوله بسته میشوند. کردستان قهرمان معاصره اقتصادی شده و به شهرهای آن بمب ناپالم ریخته میشود. نودها مورد پورش وحشیانه قرار گرفته، کارگران شهرک قزوین به رگبار مسلسل بسته میشوند. روزانه دهها تن از بهترین فرزندان ما جان فدا شدنی خلق ویا برانقلابیون فقط و فقط بجرم - دفاع از منافع خلق یعنی مبارزه در راه - استقلال، کار، مسکن، آزادی به اعدام محکوم میشوند.

جنبش کارگری



کارگران وزحمتکشان!

رژیم جمهوری اسلامی که سراسیمه دست به اعدای بی سابقه زده است دیگر چه سره وابسته خود را با آوردن کارکنان خارجی بیش از پیش آشکار نموده است. در این میان با توجه به شرایط خاص جدیدی که بوجود آمده مسئولیتها و وظایف مهمی به شرح زیر میدهد: تک تک ما ست.

۱- تجارب سالهای سیاه رژیم وابسته میفری پهلوی به ما نشان داده که هرگاه رژیم بی سرکوب نیروهای انقلابی برداخته هم زمان با آن به کارگران وزحمتکشان نیز پورش آورده است.

علاوه بر دستگیری نمایندگان کارگران و ورود کارکنان خارجی گره جنوبی هم زمان است با پورشهای جدید با کمیت به سطح - دستمزدها و سایر مزایا و امتیازاتی که کارگران طی سالهای مبارزه تحمل شکنجه ها و اعداها و تبعیدها بدست آورده اند. در این میان ضروری است با مستحکم نمودن صفوف خود و تقویت شوراها و اقیمی بمقابله با اقدامات ضد کارگری رژیم پرخیزیم.

۲- اخبار اعداها و جنایات رژیم را با تمام امکانات به همراه اخبار اعتراضات و اعتصابات، بگوش سایر کارگران وزحمتکشان شهروده برسانید. اعلامیه های نیروهای انقلابی را خوانده و به آشنایان نیز بدهید تا بخوانند.

۳- با طرد عناصرا نجنمهای اسلامی که چهره شان بعنوان جاسوسان حزب جمهوری افشاء شده خائنینی چون توده ایها و کثرتی های راست را که این روزها بیش از پیش - نوکری جیره و مواجب رژیم شده اند و اقدام های رژیم را تحت پوشش با ملاحظیه رزات فدا مبریا لیستی رژیم حمایت میکنند افشاء نموده و از صفوف خود برانید. استقلال، کار، مسکن، آزادی

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شورا، های انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان، نا بودیا، مبریا لیسم جهان پسز کردگی مبریا لیسم آمریکا ویا بگا ه داخلی - اش - کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب - پالایشگاه آبادان

اعتصاب یکبارچه و شکوهمند کارگران استارلایت

بدنبال قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی در هیئت حاکمه و شوخی مدیران لیبرال بعضی از کارخانه ها، با مدیران "مکتبی"، مدیریت لیبرال کارخانه استارلایت نیز تغییر میکند و بجای آن دو مدیر "مکتبی" به نامهای غیروشجا عیان از طرف دولت به کارخانه فرستاده میشوند. مدیران مکتبی از بدو ورود، در ادا همه حرکت های ضد کارگری مدیران سابق، دست به حرکت های از جمله قطع مزایا، پرداخت دستمزدها، اخراجها، بجای دو هفته یکبار، تحت فشار گذاشتن کارگران زن در مورد رعایت حجاب اسلامی و... میزنند. مدیران مکتبی که به پشتگرمی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی، در کارخانه تاخت و تاز میکردند، اینبار به حرکت ضد کارگری دیگری دست میزنند، که با اعتراض بیگ پارچه ویا شوه کارگران مواجه میشوند.

مدیر مکتبی در ادا همه اعمال ضد کارگری خود، روز چهارشنبه ۲۴/۶/۶۰ حکم اخراج یکی از زنان کارگر را به دلیل - نداشتن روضی مادر میکند. کارگر دیگری چون روضی را مدل حجاب اسلامی نبسته، مشمول همین حکم میشود. زنان کارگر که از این عمل مدیریت خشمگین شده بودند دست از کار میکشند و همگی برای درمیان گذاشتن مسئله با کارگران مرد به تها رخوری میشوند (ساعت نماز مردان، بعد از زنان است). بعد از مطرح کردن موضوع، کارگران، همگی از - اخراجها حمایت کرده و از رفتن به سرکار - هایشان خودداری میکنند. آنها میگفتند: "مروا اینها را اخراج میکنند، فردا نوبت ما ست، آنها ضمن حمایت از اخراجها علیه مدیران ضد کارگرا و میدادند. حنجری شجاعان، اخراج باید کردند. همچنین - به عدم پرداخت حقوقشان در موقع مقرر - همیشه شورا که ما میگردانیم اعتراض داشتند. رئیس شورا که ما میگردانیم است نیست تربیون رفته و میگوید: "این مدیران از طرف دولت آمده اند، ما نمی توانیم کاری بکنیم". کارگران یکمدا میگویند: "مال بدبختی ما حیش، مدیران از ترس آفتابی نمیشوند. کارگران یکی پس از دیگری - پشت تربیون، قرار میگیرند و ضمن افشای دردیهای مدیران مشکلات مشترکشان را با هم درمیان میگذارند. کارگری میگوید: "وقتی من بچها مریض است، پول ندارم. به دکتری برسم، ۲۰۰۰ تومان از همکارم قرض - میکنم و وقتی پول دکتری بیشتر میشود، بچه - ام میگوید: "بدرمن خالم خوب است، در - خالیکه در تب میسوزد، این دردناک است. تجمع کارگران با شور و هیجان و افشای گری علیه مدیران ضد کارگرا تعطیل شدن کارخانه (بعد از ظهر) ادا همه میباید. در آخر، بقیه در صفحه ۷

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

ارگان سازمانی و نقش آن (ه)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان = نشریه کار = سازمان دهیم.

گفتیم که تیمی می تشکیلیم و طیف مرتضی با آن با یی در خدمت توزیع ارگان باشد. بهر طریق ممکن در جهت سازمان دادن این امر بکوشند. ولی این یک سوی مسأله است از سوی دیگر تیمی تشکیلیم با یی در خدمت تهیه ارگان قرار گیرد.

در این رابطه با یی از تیمی شبکه ای - جهت توزیع ارگان ایجاد میگردد و از - تیمی که تا کنونی که ارگان پخش میشود سودبرد. (کلا) رفقا با یی که ملاقات کنند این شبکه وسیعترین شبکه سازمانی است که مستقیمترین و بیشترین ارتباط را با یی توده ها دارد. با یی این شبکه را در عین سود بردن جهت توزیع و تهیه ارگان در خدمت تهیه امکانات مثل خانه، اتومبیل و سایر ضروری و... و کمک مالی قرار دهیم (هر رفیق، هر هوادار، هر کارگر پیشرو، هر دانش آموز، هر خدمتکش مبارز یک شاخک حساس است که با یی بدتیمی حرکات جامعه را به ارگانهای سازمانی منتقل کند. همه رفقا با یی علاوه بر این که در جامعه نقش بیک سازمانی را ایفا میکنند خبرنگاران سازمان نیز - یک با یی که فی نیست که فردی فقط یک عامل فعال در پخش و مروج روزنامه است. بلکه لازم است که به خود روزنامه کمک کند... (اصول تشکیلات حزب کمینترن). "برای اینکه بتوان امور مربوط بسه شهرو دولت را در روزنامه (البته نه در رساله ساده) نوشت یا یی در یک تازه همه جا نیسه در دست داشت که بتوسط شخص کار دانی گردد - آوری و تهیه شده باشد... برای این امر ستادی از نویسندگان کارشناسی مخبرین کارشناسی و ارتشی از خبرنگاران سوسیال دمکرات لازم است که با همه و هر جا را بنه بر قرار سازند. بتوانند "سراوردولتی" را (که کارمند دولتی روس آنقدر به آن میبالد و آنقدر آن را بروز میدهد) بدست آورند و در هر پشت پرده ای راه یابند" (لنین) چه با یی بدکرد؟ تا کیدات از ما ست (سازمان نیازه لشگری از خبرنگاران دارد. - لشگری که در هر کجا پراکنده باشد تیمی اخبار و وقایع کارخانجات را به ما برساند. - اتفاقات، بخشنامه ها و "سراوردولتی" و ارتباطات و ارتباطات را سرینما" منتقل کند. نمیش جنبش دانش آموزی و دانشجویی را در دست سازمان نهد، به ما بگوید که در هر محل توده ها چگونه می اندیشند و مشکلاتشان چیست، خواسته ها و نیازهای روستایان و شیوه های پیشبرد آنرا برای ما بنویسند. لشگری از خبرنگاران که در هر کجا حضور دارند و سازمان را از هر واقعه، هر تغییر، هر جنبش حرکت رژیم و توده ها آگاه میسازد. هر اتفاقی که در کارگاه می افتد، چه اجتماعی و چه اقتصادی از وقوعی حادثه جلسه عمومی

کارگران، از رفتارنا شایستی که با یی یک کارآموز شده تا گزارش مالی، یا یی بد بلافاصله به روزنامه گزارش شود. بخشهایی که در اتحادیه های کارگری کار میکنند موظفند که کلیه تصمیمات و محووبات مهم را که در جلسات و با توسط دبیران آنها داشته اند همچنین کارهای مشخصه دشمنان ما را بسه روزنامه ارسال دارند زندگی عمومی در خیا با نبرد و در مجلس معگرا "به اعفاء بسا دقت حزب این موقعیت را میدهد که استقادات اجتماعی مونکافانه ای مطرح نمایند... (اصول تشکیلات حزب کمینترن - تا کید از ما ست).

رفقای کارگر با یی در هر اتفاق کارخانه، هر گفتگویی که با یی نگردد نسبت کارگران است، هر حرکت اعتراضی هر خواسته و تمایل کارگران، هر برخوردی که با کارفرما بسا عواملتش بدید میاید، تیمی حرکات تا جنم - های اسلامی، شور و مدبریت... را بسه ما گزارش دهند.

رفقای دانش آموز با یی بدتیمی وقایع مدرسه، برخوردهای امورتربیتی، نظریات دانش آموزان، حرکات و مبارزات آنان، پیشرفت فعلی تیمی منفی و سیاسی، شکل - های موجود... را برای ما بنویسند. تیمی رفقا موظفند نظریات توده ها، بسر خوردهای مردم با یی مثل، شیوه برخوردشان با رژیم، جوسرکوب، نیروهای مترقی و مسائل اجتماعی، مشکلات محل و شیوه حل آن... را گزارش دهند. ما با یی بد در هر کجا با یی شیم، شما رفقا با یی سازمان را به هر کجا ببرید، تحریر ارگان با یی در هر کارخانه، هر روستا، هر محله و هر مدرسه و یا دکان - حضور داشته باشد و از ما می وقایع و اتفاقات آن اطلاع یابد.

با یی اخبار جنبش، اخبار حرکات رژیم و عوامل آنرا گزارش دهید. در ادارات، بدنیال کسب خبر بسا شید، از کارخانه بسخننامه ها را ارسال کنید از محله حرکات بسبج و مسجد و کمیته و حزب الهی ها را بنویسید. خبر بسا دگی بدست میاید ما با یی بد ترا پرورش داد. با یی بد که توی قضیه را در آورد و گزارش را کامل کرد با یی بدتیبال وقایع را گرفت. برخورد منمسل در این مورد بدترین نوع برخورد است. اگر می شنوبیم سرخیا بان پاسداری ترورشده نیاید همین مساله را گزارش کنیم، با یی بد فوراً در محل حضور یابیم، نظرات مردم، برخوردهای موجود و کنش های ارگانهای سرکوب و غیره را بنویسیم. اگر میاید بسا در محله ای خانه گردی شده است با یی بد بسا رفت (مسلم) "با توجه مناسب از ما می جوانب مساله و تا کید کتیکهای رژیم اطلاع - حاصل کرد، هرگاه در کارخانه تا کارگران

یک قسمت اعتراض را سازمان داده اند با یی بد به شیوه ای مختلف (که مسلماً "هر کارگری چندین روش در این مورد میداند با آنان تمایز برقرار نموده و گزارش کاملی از مساله تهیه کرد. اگر می شنوبید در دکان آفسری دست به تنبیه بدنی زده است بسا بسخننامه ای از ستاد مشترک آمده با یی بد شکردهای خامی و مبتکرانه از چند و چون - قضا با یی بد برگرفت و آنگاه گزارش داد - با یی بد خبر را در نیال کرد، با یی بد ترا پرورد و سپس گزارش داد. (این مساله به معنای آن نیست که هرگاه نتوانستیم بدنیال خبر برویم گزارش ننویسیم بلکه به معنای لزوم پیگیری و جدوجهد در این مورد است).

نیاید بسا دگی از کنتر رسا مثل مطالب گذشت خبری که در وهله اول به نظری اهمیت میرسد آنگاه که با سلسله اخبار بدست آمده از تیمی تشکیلات جمع گردد ممکن است حلقه مهمی را تشکیل دهد. برخورد و اظهار نظری از سوی توده ها که به نظر بسا رعادی - میاید آنگاه که در زنجیره مساله گزارش قرار گیرد خود حلقه ای از تحلیل ذهنیت توده - ها را بدست میدهد. با یی بد دقت عمل کرد. با یی بد هر چیز را که به توده ها و جنبش آنان، و به رژیم و حرکاتش مربوط میگردد گزارش داد. اگر سوسیال دمکراتهایی که در - مناطق مختلف کار میکنند، نشریه حزبی را از آن خود بداند و ترتیب دادن ارتباط منظم بان، بحث دربار مسائل و مشکلات آن و انعکاس دادن کل جنبش برای آن را وظیفه اصلی خود بداند تا نوقت است که میتوان خیلی ساده با یی بد در نظر گرفتن - احتیاطات امنیتی در باره تهیه اطلاعات کامل در باره جنبش مطمئن شد. (لنین) یک مساله میرم - کلیات جلد ۳ - دوتا کید آخر از ما ست)

بله رفقا! با یی بد کل جنبش را انعکاس داد و این مساله تنها و تنها زمانی میسر است که هر رفیق در مورد جنبش که در آن قرار دارد بدقت و با پیگیری کامل عمل کند. و سیستم منظم گزارش دهی از تیمی نقاط تشکیلات، توسط تیمی لشکر خبرنگاران شکل داده شود. از اینرو ما در شما ره بعد به بررسی مساله گزارش دهی میپردازیم.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

نیروهای مسلح

وانقلاب

بقیه از صفحه ۱
شهرستانی

نقش و ویژگی خاصی میباید تا جهت لازم مکتد نیم، به بررسی وضعیت نیروها و مسلح رژیم پهلوی، وضعیت و نقش آنها و از اینها کفیم - در این قسمت سعی ما بر اینست که تحلیل مختصری از شهرستانی، اما از ویژگیهای آن، وضعیت آن در جریان قیام، - تا ضربات قیام بر شهرستانی، وضعیت کنونی و چشم انداز آینده آن ارائه دهیم.

ابتدا میپردازیم به ویژگیهای شهرستانی: تا قبل از قیام توده ها با مردم کلانتری ها و شهرستانی را بعنوان اولین نیروی سرکوب کننده ها فیلد رژیم شاه در مقابل خود می دیدند برخلاف سایر ارگانهای مسلح - نظیر ارتش، ژاندارمری، نیروی هوایی و... شهرستانی از آنجا که بدلیل وظایفش (ظاهر تا مین امنیت شهر) مستقیماً و بطور روز-مره در مقابل توده ها قرار داشت، بیش از سایر ارگانها بعنوان یک نیروی سرکوبگر برای توده ها ملموس بود، شناخته شده و دستگیری نیروهای انقلابی، جراحات اهنما - بی و رانندگی، دردیها، قاچاق و بخصوص با چریکها و رشوه خوارها از مردم گسسته بطور گسترده و وسیعی را بچسباند، از آنجا که مستقیماً مرتبط با مردم بود، نفرت و کینه مردم را بیش از سایر ارگانها برمی انگیخت با این دلیل بود که بحق توده ها آن را بمثابه اولین نیروی سرکوب در برابر خود می یافتند و بواسطه هم تا قبل از قیام شهرستانی علی رغم قدرت محدودش همیشه در رأس سرکوب حرکات توده ای قرار داشت.

در تجربه قیام نیز توده ها بمعینه شاهد شرکت وسیع و فعال کلانتریها و شهرستانی در کشتار مردم بودند و دیدند که چگونه کلانتریها و شهرستانی بیشترین مقاومت را از خود نشان میدادند بهمین جهت نفرت و کینه شان بیش از پیش گسترش یافت - ما شینهای گارد - شهرستانی، ما موران کلاه خود بسرور رژیم اهنما در روزهای قیام بخوبی بنیاد را در توده ها بین چیزی نیست که بسادگی فراموش شود، به همین جهت است که می بینیم در جریان قیام نهر توده ها بیش از سایر ارگانها گریبان - گیر شهرستانی شد، توده ها که کینه ای چندین ساله از این ارگان سرکوب دردل میپروراندند در قیام بهمین بعنوان اولین عامل سرکوب آنها را تا حمله خود قرار دادند و ظفر مندا نه بسیاری از کلانتریها را وادار به تسلیم کرده و به تصرف خود درآوردند، بسیاری از فرماندهان مزدور که حکومت پهلوی را - جا و دانی میدادند استند از ترس توده ها فرار یا برقرار رتبه جیب دادند، و برخی از آنها نیز گرفتار انتقام انقلابی توده ها شدند و بدار آویخته گردیدند. آری توده ها در سرخوبی به این مزدوران و سرسپردگان رژیم شاه دادند و این واقعیتی است انکارنا پذیر

را بردوش دارد، جدا کشتار تلاش خود را در با - سا زیا رگانهای ضربه خورد و بنحمله شهرستانی بکار میبرد، از همان ابتدا سعی در بسی محتوا کردن تشکلهای توده ای (شوراها) - کرده و کمربند نا بودی آنها بست. اما از آنجا که با رشد و گسترش اعتراضات توده ای و فعالیت نیروهای انقلابی مواجه بود، به سادگی موفق به اینکار نشد اگر چه فتاوی نگر خمینی برای پیشگیری از مبارزات - پرسنل انقلابی اعم از ارتش و شهرستانی تا حدودی موثر افتاد اما تجربه هر چند اندک اداره امور توسط ارگانهای منتخب پرسنل مانع تسلیم بی قید و شرط آنها به خواستهای رهبری سازشکارانست.

آنچه برای رژیم جمهوری اسلامی مهم است، با زسازی این ارگان سرکوب از هم پاشیده برای حفظ سیستم است، اما انجام اینکار با وجود حرکات توده ای و تجربه پرسنل از قیام، بسادگی برای رژیم میسر نیست، از اینروست که رژیم برای مهار زدن بحرکات توده ای از سوی رگانها بی نظیر کمیته ها و وسایلهای سازماندهی در ابتدا در برگیرنده متجانس ترین عناصر بود سود می جوید، در بسایر ز کلانتریها، کمیته ها مستقر شده اند تا کنترل اوضاع - شهرستانی را در دست گرفته و بر آنها اعمال بحاکمیت کنند. این مسئله سبب مقاومت و درگیریهای بسیار بین پرسنل شهرستانی و کمیته ها میشود، چرا که شهرستانی که زمانی هود سردمدار ارگانهای سرکوب رژیم شاه بود بسادگی حاضر نیست زیر چتر کمیته ها حرکت کند. این عدم تمکین به کمیته ها سبب تشدید تضادها بین آنها شده و حتی در برخی نقاط به رویا رویی مسلحانه کشیده شده است. این کشمکشها و درگیریها در شرایطی که درگیریهای بین جناحهای - حاکمیت حا بدود همچنان ادامه داشت اما بتدریج که حزب جمهوریها اتکا به خمینی مواضع خود را در ارگانهای حکومتی مستحکم کرد و با تعویض فرماندهان مکتبی بجای فرماندهان لیبرال کاهش یافت. در حال حاضر نیز که حزب جمهوری خیالش از جانب لیبرالها بمیزان زیادی آسوده گشته، سعی در استفاده هر چه بیشتر از نیروهای - شهرستانی دارد. این تلاش از دو جنبه برای حزب حائز اهمیت است. نخست استفاده از تجارب شهرستانی بعنوان اولین نیروی سرکوبگر حداقل تا قبل از قیام و بدیگر - افزایش کمی نیروی سرکوبش و تا حدودی - تا مین جانی برای پاسداران سرمایه - بهمین جهت از ادارات و اطلاعات و اطلاعات انجمنهای اسلامی و اداره بازرسی و اداره سیاسی ایدئولوژیک گرفته تا پستهای - فرماندهی سعی در جایگزینی عناصر مکتبی داشته و در اینمورد از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. دمواردهی که با کمبود نیرو مواجه میشود نیز از عناصر لیبرالی که برای حفظ مقام به لباس مکتب درآمده اند سود می جوید به این عناصر در صورت عدم تمکین به خواستهای حزب خطری کمتری تهدیدشان آنگونه، ایستگاه برآختی مکتب حزب را - می پذیرند. حزب جمهوری اسلامی میگوید

که هیچ نیرویی (هر چند برضا هر شکست نا پذیر بنظر آید) نمیتواند مانع خشم انقلابی توده ها شود و روزی که توده ها بسا خیزند قدرت - مندترین حکومتها را برانودر خواهند آورد همچنان که رژیم شاه و مزدوران و وابستگانش را به زباله دان تا ریخ سپردند. این نیروی لایزال توده ها بود که بسا زیا مزدوران و فرماندهان ارتش و شهرستانی را به محاکمه کشاند - قیام شکر همنده توده ها درس عبرتی به سرسپردگان داد که بسادگی فراموش نشدنی نیست، دبیری نخواهد پاشید که دیگر با رنیز این قهر انقلابی، مزدوران جمهوری اسلامی که حکومت خود را ابدی میدانند به زسازی - اعمالشان برسانند.

با ری، شهرستانی بدلائلی که فوقاً متذکر شدیم بمثابه اولین نیروی سرکوبگر مورد - تنفر و خشم توده ها بیش از سایر ارگانها رژیم در شرق با مظهر میز توده ها موراحمله قرار گرفته و شهرسازی از هم گسیخته شد. بطوریکه اتساع قبلی را چکلی از دست داده است و بسادگی نمیتواند نظام سابق را برگرداند. بموازات با این از هم پاشیدگی، وبدلیل وجود حرکات وسیع توده ای در سطح عام، نیروهای فدائی انقلابی در شهرستانی نیز که مضمون از خشم انقلابی توده ها نمانده بودند جرات نفس کشیدن نداشتند، این عوامل سبب گردید که نیروهای انقلابی، بطور وسیع و بی رقیب دست به ایجاد تشکلهای توده ای بزنند و همگام با توده ها حرکت کنند. در بسیاری از موارد شوراها ی منتخب پرسنل تشکیل شد، شوراها ی مزبور علی رغم بی تجربگی به تشکل پرسنل شهرستانی اقدام کردند و سعی در ارتقا آگاهی پرسنل نمودند، بطوریکه تا حدودی قدر قدرتی فرماندهان مزدور به طور عینی برای پرسنل شکسته شد و به قدرت - خویش پی بردند، آنها فهمیدند که با اتحاد و تشکل خود میتوانند بسایری از حقوق پایمال شده خویش را بکف آورده و در جهت پیوند بسا سا برآفتار خلق (که خود بر خاسته از بطن آنها هستند) بکوشند.

تجربه قیام، علاوه بر وجود آوردن تشکل های توده ای نظیر شورا، درس عبرتی شد برای بسیاری از عناصر ارگانهای شهرستانی، بطوریکه هم اکنون دیگر بسادگی حاضر نمیشوند همانا تند روی گذشته، آلت دست حاکمیت نزار گیرند، بی تفاوتی بسیاری از امومان شهرستانی نسبت به تعلقات بخصوصی در ماه های اولیه پس از قیام بخوبی بیانگر این مسئله بود. بدینگونه شهرستانی متاثر از قیام توده ها و قهر انقلابی آنها سعی می کند حتی المقدور از درگیریهای سیاسی کناره گیری کند، اما این امر متضاد با منافع حاکمیت است، رژیم جمهوری اسلامی کسبه رسالت حفظ سیستم ضربه خورد سرمایه داری

بقیه در صفحه ۱۴

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

تحقق کودتا:

از ۱۹ اسفند تا ۲۸ مرداد

یادداشت‌های تاریخی

قبل از تمرین کودتای نخستین ونا - فرجام ۱۹ اسفند ۱۳۳۱، عملیات خرابکارانه هم زمان و در چند جبهه آغاز گشت. ارتش - دست نخورده بمانا به محکم‌ترین سنگر رژیم بتدریج در شهرستا نها مستقر شد و عرصه را بر اجتماعات و اعتراضات مردم تنگتر کرد. روحانیون مساجد را علیه دولت معذوق بکار گرفتند، مجلس هفدهم به ریاست آیت الله کاشانی و با همدستی و همسوئی نمایندگان دربار و عناصر حزب زحمتکشان، به پایگاه ارتجاع مذهبی و نوظهوری درباری تبدیل گشت. دولتهای امپریالیستی نیز در - با لیکه مذاکرات محرمانه را در برانداختن دولت و "تعمین جانشین دکترا معذوق" پیش میبردند، از طریق رسانه های جمعی - به شدت تهدید بر میآوردند و افکار عمومی جهان را علیه جنبش فداستما ری مردم برمیآوردند. - انگیختند، از اوایل ۱۳۳۲ دکترا معذوق خود، چنانکه بعدها تلویحا در دادگاه میگفتند در هراس از اینکه از "جمله به جبهه" نیفتند، با اتخاذ نوعی سیاست تسلیم و سازش به کودتا تسلی میآوردند. احزاب نیز در این زمان، در - جای خود سخن خواهیم گفت.

میدانیم که در انتخابات مجلس هفدهم که بطور نا قص انجام شد، آیت الله کاشانی، علی رغم مخالفت های جناح معذوق، ریاست مجلس را برآورد. از ۲۳ آری بدست آورد. حضور و نفوذ و در به انحراف کاشانی مذاکرات مجلس و یاری دادن عمال کودتا، سخت موثر افتاد. از جمله در گرما گرمی شدن نفست و او جگیری مبارزات فداستما ری، در - دست کاشانی با حمایت بقاشی ها، کاشانی متع مشروبات الکلی را پیش کشیدند. همه کوشش جناح معذوق در به "تعمین انداختن" اجرای آن قانون به "علت عدم فوریت" و "فور مشکلات سیاسی" به جاشی نرسید. - مسئله مشروبات به "مراحیاتی" و "عاجل" - مبطل شد. کاشانی جلسات متعدد مجلس را به این امر ختم می داد. در انتخابات از نمایندگان که "عدم فوریت" آنرا با دآوری میکردند، به "گله" برآمد، که چنانچه در مجلسی که "عده ای از آقایان علما عضویت دارند" برای "انجام یک امر اساسی" "جاشی" که "دین مبین اسلام" و "تعالیم الهی" آن را از هم و اجابت شمرده اند، این همه "تعلیل" روا میدارند. در حالیکه با بدستورات و - احکام اسلامی مقدم بر سایر امور باشد. - در همین رابطه، از مهر ماه ۱۳۳۱ (روحا - نیون به سز کردگی کاشانی به طرح "گنگره" اسلامی" و "اتحاد اسلامی جهانی" برآمدند. - جان گلاشان اینک: مبارزه با استعمار با پیدا از طریق نمایندگان دول اسلامی انجام گیرد. از این رهگذر نخست با بدست "کمیته دولت و ملت" کوشید، مردم را بجا و تظاهرات سیووده و از زخم به "طلح دوستی" و برقراری

از این پس همکاری و همسوئی روحانیون با سران کودتا آشکار تر و بیاد شد. نمونه - ای، مسافریم پس از افشا شدن طرح - کودتا، دکترا معذوق، فضل الله زاهدی را در ۲۱ مهر ماه ۱۳۳۱، بعنوان "شویک" طرح زندان انداخت که البته بواسطت دربار و در ۲۶ - مهر آزاد شد. در فروردین ۱۳۳۲، بدستال - قتل افشار طوسی، رئیس سپه پاساژی و هوادار دولت که بدست زاهدی، و بقاشی انجام گرفت. - دکترا معذوق حکم توقیف زاهدی را در - نمود. زاهدی بدستال آزادی، و به بهانه - اینکه "منیت جاشی" نتواند در مجلس شومین - جت، کاشانی از او به گرمی استقبال نمود. - "عدما تا" او را در "نهضت ملی" ستودار - "مزا حمت" ها شیکه معذوق برای شرفرا هم کرده، اظهار "تاسف" نمود. (کتاب ن، ۱۲/۱۲، ۱۳۲). درخواست زاهدی نیز این بود که - هیاتی به نمایندگی کاشانی به "انها مات" اورسیدگی کند.

اکنون عمال سیا و نفست و روان که کودتا را تدارک میدیدند، روحانیون را - همدستان قابل اطمینان خود محسوب می کردند. نمایندگان سیاسی انگلیس گزارش میدادند: "آیت الله کاشانی در انگلیس و احساسات میلیون ها شیعه ایران و پاکستان و حتی روسیه شوروی نفوذ و قدرت فوق العاده - ای دارد و باید او را از نزدیک تحت نظر گرفت". "کیم روزولت فر مانده عملیات کودتا نیز تا شید میگرد که در این مقطع "افسران - اکثر" به شاه وفادار بودند، انگلیس ها روی روحانیون حساب میکردند، اما از - دادگی هیان و مدارس کاشانی "ما" میادیدیم. حزب توده که هنوز از جناح کاشانی - دفاع میکرد، معترف بود که از ۱۵ سپهرن و پس از تیراندازی به شاه "جناح کودتا جی بقاشی" زاهدی می کوشید روحانیون و "آیت الله کاشانی را بسوی خود جلب کند، بدین منظور دشمنان معذوق با زرنگی خاصی کاشانی را به ریاست مجلس انتخاب کردند تا بتوانند مقابل مجلس و دولت را بصورت مقابل کاشانی - معذوق در آورند. - با اینحال "مطبوعات حزبی ما به آیت الله کاشانی توجه میکردند و هر با کدام مثبت او را مورد تائید قرار میدادند. (تجربیه - کودتای ۲۸ مرداد، ص ۲۳۵)

در باره حزب زحمتکشان، به همین اعتراف دکترا بقاشی پس میکشید که در دفاعیات خود میکت: "هیچکس در ایران به انداز من و دوستانم، فدا انقلاب مبارزه نکردده است. (دفاعیات دکترا مظفر بقاشی، ۱۳۴۰). اما در رابطه با ارتش که در باره زود، و به علت فقدان رهبری جنبش به سرکوب - خیزش توده ها بر می آمد دکترا معذوق پس از اطلاع از نقشه های "شیماسا" ها، ۱۳۶۰ افسر عالی رتبه را بازنشست کرد، همین افسران بودند که سرکردگی کودتای ۱۹ اسفند را عهده دار گشتند. اکنون که اتحاد عمل نیروهای فدا انقلابی مرکب از روحانیون، حزب بقاشی و ارتش میسر گشته بود، دولتهای امپریالیستی به بیاد کردن نخستین طرح برآمدند. در ۱۲ سپهرن ۱۳۳۱، کیم روزولت: (کیم روزولت - نوهر رئیس جمهور نشود و روزولت و پسر عمومی رئیس جمهور فراتنگلین روزولت - بقیه در صفحه ۱۲

"طلح جهانی" فرا خواند، از "تفرقه و نفاق" دوری گزید. برای پیروزی ملت های اسلامی در برابر "استعمار جهانی"، با بهر چه - یود ترکیه ای مرکب از نمایندگان دولتهای اسلامی و احزاب اسلامی فرا خواند: از جمله نمایندگان "خوان المسلمین"، نمایندگان دولتهای مصر، سوریه، عربستان سعودی، اردن، مراکش، تونس، عراق، افغانستان و ایران. هدف گنگره و اتحاد اسلامی "استقلال" مسلمانان جهان از استعمار "تسلط بر سر" و غربی و ایجاد "قشون ۲۰ میلیونی برای - حفظ بیطرفی است. کاشانی در مقام هیات "لوموند" در بهر ماه ۱۳۳۱، میگفت: "اتحاد نظامی دول مسلمان و تشکیل یک ارتش واحد نخستین کوشش ویرنا به گنگره خواهد شد" و "ارتش واحد اسلامی، قشون نیرومندی با ۲۰ میلیون سرباز خواهد بود. "هم چنین" - وحدت اسلامی تنها راه مبارزه با "پراگندگی" مسلمانان و جلوگیری از "دخالتهای ناسا" بجای" بر قدرت هاست. راه دیگری وجود - ندارد.

اما "مهمترین خطر" استعمار ری در مسائل بهره کشی قشما دی و سلطه سیاسی نیست، بلکه فقط "سست کردن بنیاد ایمان" است. از چه طریق؟ از طریق "گسترش فحشاء" و "ترویج مشروبات الکلی". این است هدف عاجل و حیاتی که با پیدا دولتهای اسلامی دنبال - کنند. زیرا اگر "دز" فحشاء و اعتیاد دیشکند، دیگر "ملل اسلامی آلت دست نخواهند بود". مبارزه با استعمار جهانی یعنی "احیای اسلام" و تسلیخ "شعائر اسلامی" که خود "پنا هگا می" برای ملل جوان جهان و سد سلطه شرق و غرب است. از این رو گنگره اسلامی که کاشانی تشکیل قریب الوقوع را اعلام میداشت، میبایست برای رسیدن با آن آرمان مقدس، همه - مسائل مربوط به "امور سیاسی، ادبی، - فرهنگی، و اقتصادی" کشورهای اسلامی را در برنا خود بگنجاند. (پیا م آیت الله - کاشانی به ملل مسلمان جهان، ۱۳۳۱).

در مساجد و تنگنایا نیز آخوندها به سستیز با سیاست دولت و به پشتیبانی از سلطنت برآمدند، میلیون مورد لعن و طعن قرار گرفتند، از جمله مردم خرم آباد، دشا هد خطا به های آقای خمینی علیه صدر "نماینده - معذوقی مجلس بودند. خمینی مردم را از - انتخاب او بر حذر میداشت و در برابر او از نمایندگان راست پشتیبانی میکرد. اکنون روحانیون شایع کرده بودند و در - اعلامیه ها میگفتند: معذوق "ملحد" است، و رساله دکترا خود را در سوشیس علیه قوانین و احکام اسلامی نگاشته. در این روزها بود که به تحریک آخوندها اسید پاشی و آزار - زنان بی حجاب رایج گشت و همه شکایات و اعتراضات کارمندان زن، در جهت افشای محرکین، بی شمرماند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

علیرغم احرار احبا، دستگیریهما باز حونی ها و اعمال فسارها بند محلمان و...

بقیه از صفحه ۱

با سداران و بسیجیان "حفظ نظم مدارس" قدم
دارند هرگونه نفی مخالفی را با سرکوب
خشن با سینه دهند. اما کار رفتار و اعتقاد در
مدارس با اینجا خاسته نمی باشد. اعمال
فشار نسبت به معلمین منجر رزگه نقش گامی
دهنده به دانش آموزان را ایفاء میکنند
بایدت ادا می دهد. در ادا می موج "پاک"
بازیهای "سالمی" قیل که هزاران معلم را
در بر گرفت در طی تابستان امسال عده -
زیادی را از کار برکنار کردند و هوا کهن
مرحله دوم با کسری یعنی افرادیکه بزرگ
آنها "مشکوک" هستند آغاز شده است. بنظر
میرسد که رجا سوسی از طریق مریبان نبوی
و مدیران مدارس و همکاران حزب الهی
و دانش آموزان انجمن اسلامی در باره
معلمین کافی نبوده که با برخورد با بنی
خانه های معلمین پرداخته اند. در ظرف
چند هفته گذشته خانه های تعداد زیادی از
معلمین توسط نماینده های دسرای انقلاب
اسلامی و نماینده وزارت آموزش و پرورش
بهمراه با سداران مورد بازرسی قرار گرفته
و همسایگان آنان مورد بازجویی قرار
گرفته اند. آنها در نهایت وقت احتیاج
خانه گردی و بازجویی را پس از ساعت ۱۰
شب انجام می دهند تا در اذهان همسایگان -
"کشف خانه تبیی" را ایفاء کنند! این
اقدامات که از مدتی پیش آغاز گردیده -
اکنون با شدت ادا می دهد و بطوریکه هر
معلمی در انتظار چنین باز دیده و ستانه -
ای!! "بسمیرا".

همچنین با زجوش از همسایه ها و
بازرسی خانه ها و مانند آن ساعته در خانه
در مورد کسانیکه تقاضای استخدام در وزارت
آموزش و پرورش را داده اند اعمال میشود.
ما مورین مربوطه بدون اجازه فرد متقاضی
بدرخانه های همسایه های او رفته و در باره
او تحقیقات میکنند. به خانه فرد متقاضی
رفته و کتا بهای او را بررسی میکنند و بسا
کمال وقت احتیاج است اما کسانیکه به خانه فرد
متقاضی رفت و آمد میکنند در باره او سؤال
و تحقیقات میکنند. کار تحقیق عقابیتا
انجا گسترش میابد تا اینکه کار ملا" موضع
او اطلاع پیدا کرده و با ملاحظه او را بفهمند
تا اگر او را حزب الهی ناب تشخیص دادند
استخدامش کنند!

اعمال جنایتکارانه و ضد خلقی کیه
رژیم در باره دانش آموزان و معلمین مرتکب
میشود و بسا ستهای ضد خلقی که رژیم سمد
نابودی فرهنگ مردمی و انقلابی بکاردی
بر دو مقصد ارد که فرهنگ قرون وسطایی را
در مدارس پیاده کنند و این مسائل را پیش
از هر کس دیگر از موزگان و دبیران بسا
گوش و بیوش خود لمس میکنند و محتاج
مسئولیتی که این قضاگامها منته در قبال
عیانتها و جنایات رژیم میکند محیط مدارس
را به شبکه با روتی تبدیل کرده است.
هم اکنون تعداد زیادی از دانش -
آموزانی که از مدارس اخراج شده اند همه
روژه در جلوی آموزش و پرورش نواحی به
تظلمات اعتراضی مشغول هستند و ستا

دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی هم به جنگ حاضر شدند

جنگ ارتجاعی و فرساینده ایران و -
عراق که از مزبیکسال گذشته است علاوه بر
غرابیها، بی خانمانیها و نابودی میلیاردها
- ها تومان ثروت ملی، مهمتر از همه جان
هزاران نفر از نیروهای جوان ما را گرفته
است. مردم ما از آنجا شیکه این جنگ را -
عادلانه ندانسته و نمیدانند لذا رغبتی هم به
شرکت در آن ندارند. آنها نه تنها طالب
ترکت داد و طلبا نه در آن، که لازمه هر جنگ
عادلانه است، نیستند و به لطف الحیل و ز
رفتین به جبهه طفره میروند بلکه سر با زنی
همگه بنا چاربه جبهه اعزام میشوند در هر
فرستی برای اعزام را جنگ اقدام میکنند.
بظوریکه گفته میشود ادارا جراثیات -
ارتش (دژبانی) روزانه مدتها برقرار از
خدمت برای پیگیری دریافت میکنند که
بعلت عدم امکان پیگیری بلا جرمیها!
از اینرو برای تامین نیروی جدید که
جان نشین کشته شدگان و فراریان بشوند
روزی نیست که ادارا وظیفه عمومی اعلامیه
جدیدی برای اعزام افراد جدید به خدمت
اجباری ما در نکند و برای کسانیکه "تعدد"
کیند خط و نشان نکند!

اخیرا "دوم مهرماه" اعلامیه ای از
سوی ادارا وظیفه عمومی ما در کشنده در آن
دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی -
هم به خدمت اخراج شده اند! در بند اعلامیه
آمده است: "دانشجویان دانشگاهها و
مدارس عالی به علی که در دانشگاهها و مدارس
عالی مربوطه بحالت تعطیل درآمده است
و در مشمول این اعلامیه قرار نمیگیرند
با بستن به خدمت اعزام شوند".

این بندهای دوگانه است یکی این
که از شرط استیصال و کمبود سر با زدر جبهه
به اخراج دانشجویان مشمول شده اند، دیگر
اینکه بدینوسیله میخواهند از "شر" دانش
- جویان موجود که حتما "اکثرا" در رژیم
هستند - خلاص شوند که اگر احیانا "خواستند"
دانشگاهها را باز کنند و ولایت تعداد کمتری
دانشجویان و پروپا شد و در شانی بتوانند
تحت عنوان قرار از خدمت! از پذیرش -

با زکشت به مدرسه هستند. اکنون در هر
کلاس مدرسه ای میز و نیمکتها ی بسیار -
وجود دارند که از وجود دانش آموزان میاز
خالی مانده است. دانش آموزان دوستان
عزیز و همبازری را از دست داده اند که در سال
- های قبل چون ستاره های درخشانی در
محیط مدرسه می درخشیدند که با بجوخه های
اعمال مسروده شدند و با هم اکنون در سیاه جال
- های مخوف خمینی به مبارزه و مقاومت
ادا می دهند.

آری جای خالی این مبارزان جوان
در نیمکتها ی مدرسه آنها بخش مبارزان
دیگری است که به غمی آهنین راه آنها را
ادا می دهند.
معلمین آگاه و مبارزن نیز با الهام از
روحیه مبارزه جویانه فرزندان دانش آموز
خود و مبارزان و خواهران معلمی که بسا
در راههای خلق جان باختند و با در
پشت میله های زندان قهرمانانه مقاومت
میکند نقش و رسالت انقلابی خود را علیه
رژیم زار دیکش و ضد علم و فرهنگ خمینی که
همه مظاهر ترس و تعالی را زیر پا گذاشته
و یک حکومت سیاه را برقرار کرده است به
انجام می رسانند.

همانگونه که در گذشته است علاوه بر
غرابیها، بی خانمانیها و نابودی میلیاردها
- ها تومان ثروت ملی، مهمتر از همه جان
هزاران نفر از نیروهای جوان ما را گرفته
است. مردم ما از آنجا شیکه این جنگ را -
عادلانه ندانسته و نمیدانند لذا رغبتی هم به
شرکت در آن ندارند. آنها نه تنها طالب
ترکت داد و طلبا نه در آن، که لازمه هر جنگ
عادلانه است، نیستند و به لطف الحیل و ز
رفتین به جبهه طفره میروند بلکه سر با زنی
همگه بنا چاربه جبهه اعزام میشوند در هر
فرستی برای اعزام را جنگ اقدام میکنند.
بظوریکه گفته میشود ادارا جراثیات -
ارتش (دژبانی) روزانه مدتها برقرار از
خدمت برای پیگیری دریافت میکنند که
بعلت عدم امکان پیگیری بلا جرمیها!
از اینرو برای تامین نیروی جدید که
جان نشین کشته شدگان و فراریان بشوند
روزی نیست که ادارا وظیفه عمومی اعلامیه
جدیدی برای اعزام افراد جدید به خدمت
اجباری ما در نکند و برای کسانیکه "تعدد"
کیند خط و نشان نکند!

بند ۴ اعلامیه تهدیدات خود را چنین
فرموله کرده است: "به کلیه روسای کارگزاران
دولت دولتی و وزارتخانه ها و موسسات
خصوصی و تولیدی و غیره اکتفا بلاغ
فرارسنل جمعی که در مشمول این اعلامیه
قرار میگیرند بلاغ کنند که خود را به حوزه
- های مربوطه معرفی نمایند تا بدین ترتیب
جوابگوی نهادها ی مشمول باشند. و پس
از آنکه مدت اعزام چنانچه بنگونه
پرسنل خود را معرفی نکرده و به خدمت
احتیاج اعزام نشده باشند حق اشتغال
بکار را نخواهند داشت".
همانطوریکه می بینیم بحث بر سر
"رفتن به سر با زی نیست بلکه "فرستادن"
اجباری در میزبان است! یعنی روسای -
کارگزارانی دولت وزارتخانه ها و موسسات
و موسسات خصوصی و کارخانه ها و غیره باید
پرسنل خود را به نظام وظیفه معرفی کنند و
در صورتیکه پرسنل از معرفی خود استنکاف
اورزدان وقت علاوه بر اینکه عاقبت محسوب
شده و تحت پیگرد قرار خواهد گرفت از موسسه
مربوطه محاراج خواهد شد!

رژیم ضد خلقی خمینی که برای سرپوش
گذاشتن برنا رسا شیها و نتوانشی که
از حل آنها عاجز است ادا به جنگ را ضروری
میداند به روشهایی که بتواند، با تهدید
ارعاب، بیخوابی و اجوانان ما را به سر با زی -
خانه ها جلب کرده و از آنها بعنوان گوشت
دم توپ استفاده کند! تا چند صبح بیشتر
به رژیم پوتالی و متزلزل خویش ادا معده!

بند ۳
کارگران تصمیم میگیرند که روز شنبه ۶/۲۷
از ورود مدیران جلوگیری کنند. خشم انقلابی
کارگران، مدیران ضد کارگر که از ترس در
مورا خیزیده بودند و ادارا به عقب نشینی می
کند. کارگران اخراجی روز بعد کما فی سابق
به کار خود ادا می دهند.
کارگران انقلابی استار لایت یکبار
دیگر نشان دادند که در مقابل اتحاد و
یکبار چگی کارگران، سرما به داران و توگر
- ایشان مجبور به عقب نشینی اند. آنها
با بد برای تدویم مقابل با سرما به داران
و دولت حاکم ایشان در جهت ایجاد یک شورای
انقلابی بکوشند.
استار لایت، رشد روز افزون آگاهی کارگران
و نشان میدهد، رژیم ضد خلقی جمهوری -
اسلامی و توگران حلقه بگوش با بدین است
که اینک فئده های خشم انقلابی کارگران
در حال شکفتن است. آنها دیگر فریب
ظلم و تعدی این مزدوران را تحمل کنند.
دیر نیست، زمانیکه این رژیم را هم مانند
رژیم شاه خا شن، با دستهای توانا ایشان به
گورستان تاریخ بسپارند.

اعدامهای دسته جمعی انقلابیون رژیم را

بقیه از صفحه ۱

هر چند حکومت جدید، در همان نخستین روزهای بقدرت رسیدنش دستش بخون خلق شترکمن بگردود... کارگران و دهقانان ناآفته گردید، اما تا مدتها همچنان از پشتیبانی وسیع توده ها و متوجه برخورداری بود و می توانست با تکیه بر توده های ناآگاهانه توده ها، جلوی رشد و گسترش و تمسک میا رزده طبقاتی را بر نموده و لبه تیز آنرا کند نماید، اما به تدریج که توده های توده ها در بزرگواردهایا و قیمتات روزمره فرو ریخت، و حکمرانان جدید با بگانه توده های خویش را از دست می دادند، سرکوب مستقیم و کثرت بطور روز افزونی در دستورات را می گرفت و تهور و اغتقاق جا بگزین وعده و وعده ها و بجا بلوی ها و شهرتین زیانهای حکومت میشد.

سی ام خرداد سال جاری را میتوان - نقطه عطفی در اعمال روشهای سرکوبگرانه حکومت محسوب کرد. حکومت از مدتها قبل برای سرکوب فطنی نیروهای انقلابی و سلب کامل حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی تدارک دیده بود. سپس از سی ام خرداد با سلب کامل آزادیهای سیاسی، تهور و اغتقاق بی سابقه ای را در سرتاسر ایران حکمفرما گردانید. هر مدام اعتراضی با گلوله ها سخا داده شد، هزاران تن دستگیر و زندانی شدند از نوجوان ۱۲ ساله گرفته تا زن حامله و پیرمرد، بدون رعایت ابتدائی ترین موازین قانونی و انسانی، دست بسته به جوخه های اعدام سپرده شدند. جرم بسیاری از اعدام شدگان حتی معلوم نگردید و حتی نامونشان اعلی شان مشخص نشد.

دستگیرشدگان به وحشیانه ترین شکلی شکنجه شده و مورد با زجوشی قرار میگیرند، و آنها مات بسیاری از آنان گاملا واهی و بی اساس است.

دادستان کل اخیرا طی مصاحبه ای - اعلام داشت که هیچگونه احتیاجی به تشکیل دادگاهها و غیره نیست، هر کس که مخالف رژیم جمهوری اسلامی باشد، بلافاصله پس از دستگیری بجرم معالفت با اسلام و امام اعدام خواهد شد. در طول سه ماه اخیر بیش از هزار تن از بهترین فرزندان خلق اعدام شده اند و هم اکنون بسیاری از دستگیر شدگان در انتظار اعدام در بدترین شرایط ممکن در زندانها بسر میبرند.

رژیم جمهوری اسلامی با افزایش خشونت به مقامیک مستقیم حکومتی، با درنده خوئی و ستمی کثرت میگرداند تا هر مدام مخالفی را در گلو خفه سازد و چند صباحی بیشتر به حمایت جنگنی باشد، اما مدهد، قافل از اینکه این ظلمهای دیوانهوار و ریشخندان را از مرگ محتملی که در پیش دارد زها نخواهد ساخت و رژیم جمهوری اسلامی در دریا خونگنه خرد بدست خویش بوجود آورده است فرق - نخواهد گردید، همانگونه که رژیم دیکتاتوری قاجار سرکوب شوهرتوسل رژیم به این شیوه - های تروریستی هر چند بطور موقت رعب و ترس در میان توده ها ایجاد کرده و ضربات کبرنیروهای انقلابی وارد ساخته است، اما پیش از پیش موجب انفراد رژیم در میان

توده ها و در سطح بین المللی شده است. چنانچه با ت رژیم از طرف بسیاری از نیروهای انقلابی و مترقی جهان و تیز با زمانهای بین المللی محکوم شده است، سازمان ملل بین المللی نیز اخیرا رسماً اعدای این اخیرا محکوم کرده است. موج تهنیت و تهنیت نسبت به رژیم در سرتاسر جهان در حال گسترش است.

چنانچه با شی که رژیم در این مدت مرتکب شده، آخرین بقایای توده های توده ها نسبت به حکومت را زده است، خشم و نفرت عظیمی نسبت به این جناحیات در میان توده ها مانع میگردد، خشم و نفرتی که در آینده ای ننگ چندان دور در آتش فشان مبارزات گسترده توده های متفجر خواهد شد و طوما را این رژیم را برای همیشه درهم خواهد پیچید و آنرا به گورستان تاریخ خواهد سپرد.

توده ها در میباید بنده که بدون سرنگونی رژیم نه از ایدی بکف خواهند آورد و نه به هیچ کدام از خواسته های انقلابی شان دست خواهند یافت. هر چند توده ها در لحظه کنونی این توان را در خود نمی بینند که در یک قیام توده ای آنرا سرنگون سازند، اما امید به سرنگونی رژیم، در میان توده ها قوت میگیرد. موج تهور و اغتقاق و اعدای این دسته جمعی همچنین حاکی از بحران عمیقی است که سرتاسر جامعه را در بر گرفته است، این سرکوبها بی نگرصفت هیا تا کما در حفظ اقتدارش شیوه های عوام فریبانه و اغتقاق سازی است، رژیم دیگر پرده ها را دریده و ماهیت ارتجاعی خود را بنحی می در پیشگاه توده ها به نمایش گذا رده و وعده وعده ها و جیب زیانهای را بدورا افکنده است. زمان - داران کنونی اشکازا اعلام میکنند که بنیاد حکومت خود را بر پایه فقر، سرکوب و اغتقاق و نقض ابتدائی ترین حقوق و موازین انسانی استوار ساخته اند و درست بهمان شیوه، هائی متوسل شده که کلیه رژیمها و ارتجاعی مجبورند برای حفظ حاکمیت خود و برای - آنکه چند صباحی حاله مرغ خود را به تاخیر بینند از ندهند آنها متوسل میشوند.

این شیوه ها نه تنها در مستحکم کردن پایه های لرزان حکومت و تخفیف بحران فعلی موثر نخواهد بود بلکه با توجه به مجموعه بحران اقتصادی و سیاسی و وضعیت جامعه، پروغامت بحران موجودا من زده و ایجاد وسیعتری به آن خواهد بخشید و رژیم را برای سرنگونی رژیم فرا هر خواهد آورد. این سرکوبت محکوم بین حکومت نیست و دامنش است، هر اندازه که ارتجاعها را کم دیوانگی بکند، اما بدسرکوب را گسترش دهد، بهترین فرزندان خلق را دست بسته به جوخه های اعدام میسپارد، زندانها را پر میکند، دستگیرشدگان را شکنجه نماید و غیره... از این سرکوبت و مرگ محتسب خویشی رها نخواهد شد. فرزندان انقلابی خلق که این چنین دلورا نه در راه آزادیهای والای زمتکشان شهید میشوند در قلب خلق های رزمنده جای دارند و قاتلان آنها ازم اکنون در پیشگاه تاریخ محکومند و در بدست روزی که طوفان خشم توده ها آنها را از صفحه

از بحران کنونی نجات نخواهد داد

روزگار همچونما بد، جوانه های خشم انقلابی توده ها در اینجا و آنجا در حال شکفتن است. وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با انشاه وسیع چنانچه با رژیم در میان مردم، اعتراض وسیع توده ها را علیه این جناحیات برانگیزند و امان بزنند، توده ها را دعوت به اعتراض نموده و اعتراضات آنها را - سازماندهی کنند، به خاطر خواهد شد که کجای با ری رسانند، صفای اعتراض مزدها را سر سرجهان منعکس کرده و صامت نیروهای انقلابی و مترقی و مجامع بین المللی را جلب نماید و در جهت انفراد و انشاه رژیم بکوشند و رژیم پیوستن اعتراضات بزرگکننده توده ها، با اعتراض عمومی علیه جناحیات رژیم را سازمان دهند.

پیام کانون مستقل

بقیه از صفحه ۳۰

قرار دارند، برنامهاستخدام ۱۲ هزار معلم مورتربیتی ۴۰ هزار معلم جدید و ۲۵ هزار دانشجو در آموزش و پرورش به خوبی نشان میدهد که سرمداران رژیم در صدند تا جزا فرادودا رودسته وابسته به خودشان را در مدارس باقی نگذارند. معلمان مبارز! عدم شبت نام دانش آموزان آگاه در مدارس - دستگیری دانش آموزانی که سال گذشته در مدارس فعالیت سیاسی داشته اند اخراج وسیع معلمان و دستگیری معلمان مبارز - جلوگیری از فعالیت سیاسی در مدارس - تقویت انجمن های اسلامی بمنجا به کانونهای توطئه و جاسوسی بر علیه معلمان و دانش آموزان - استخدام بی رویه معلمان فاقد صلاحیت - کلاسهای اجباری ایدئولوژی - کوشه ای از توطئه وسیعی است که رژیم در آموزش و پرورش در دنیا له، همان سیاستی است که رژیم جمهوری اسلامی در سطح جامعه اعمال می نماید. بگوشیتما بسا مبارزات خودموج جدید سرکوب را درهم شکنیم.

تنها اتحاد تشکل و مبارزه ما می تواند رژیم را ادا ربه عقب نشینی نماید. تجربه نشان داده است که بدون تشکل، مبارزه افراد به تنهایی بدامن زمین به پراکنده کاری و خرده کاری میباید. تشکل خود در کانونهای دمکراتیک، مبارزه و ادمیربالیستی را بجا آورم بخشیم.

کانون مستقل معلمان تهران
۶۰/۶/۳۰

در تکثیر و توزیع آثار
سازمان بگوشیتما



جنبش جهانی

کازگری - رهائیبخش



زنده باد انقلاب پرو (۱)

*** حرف چریک ***

ما
گندموزمین را
افشاده ایم و
دروکرده ایم
و گندموزمین
از آن ماست
وز آن ماست تا روزانه
زین پس برای آبدنیز
دریا و کوه و جنگل
از آن ما هستند
وز آن ما هستند تمام پرتگان
جا و بیهره راه (شا مپرووشی)

نظر باین که کشور من زیباست
چون تنخه ای نشسته به خاکسترها
نظر باینکه کشور من اکنون بزرگتر است و
زیبا تر است هنوز
من زندگی خود را برای آن فرباه میکنم از
آن دفاع میکنم
مرا به آنچه غاشن گوید کاری نیست
ما کاریمان
با آهن است و پولاد
با قطعه های آهن و پولاد
بدکرده ایم راه را
مترصد نشسته ایم.

توانست خود را برهاند، اما فروپاشی
تولید ما قبل سرمایه داری نیز امری سهل
نیست، چرا که ما موران محلی حکومت بیجا
برقراری مالیات سرانه سالانه، آنچنان
دهقانان را به "هاستیدا" ها وابسته
کرده بودند، که برای اینان کوچکترین
برشی از آن شرایط زیست امکان ناپذیر
می نمود.

از دیگر سو، مدارس نیز که تحت کنترل
کلیسا اداره میشدند، هرگونه امکانی
برای تربیت کادرهای آشنا با ماشین و
نیز حساب و کتاب بورژوازی، را نا متحقق
ساخته بودند.

در سال ۱۸۹۵، بورژوازی پرو قدا در شدد برای
نخستین بار با تحت فشار قرار دادن حکومت
قوانینی را به نفع گسترش صنایع بومی،
وضع کند، که بدنبال آن دهها کارخانه
در ناحیه "لیما" و "کالا" و "سربلند" کردند.
و این نخستین گام نخستین تجربه روند
برولتریزه شده توده ای بود.

برولتاریای پرو، برای نخستین بار
در فاصله سالهای ۱۳-۱۹۱۲ با برپاشی
اعتصابی عمومی در نواحی لیما - کالا و
خود را به پهنه مبارزه طبقاتی کشاند.

پیشقراولان این اعتصاب کارگران صنایع
نفت و شکر بودند و بر پرچم سرخشان، خواست
۸ ساعت کار روزانه، نقش بسته بود. این
بحق ترین خواست انسانی است که میان تکیه

۱۶-۱۵ ساعت راد شرایطی بسیار سخت در
کارخانه میگذرانند، از سوی الیکارشی
پرو بای اعتنای روبروشد، و در عوض
این رئیس جمهور پوپولیسست "گولیرمو
بلینگ" ها رست "بود که متهم به بی کفایتی
در سرکوب جنبش اعتصابی کارگران شد.

"بلینگ" ها رست "بواقع در بروز مانده
بود که چگونه با چنین جنبشی بمقابله
برخیزد، نهایت امر، پوپولیسست او بکنگ
- اش آمد و حاصل آن تدوین قانونی بود
که از یکسوق مداخله برای دولت را در
اعتصابات و حرکات کارگری محفوف

میداشت و از سوی دیگر، حق اعتصاب را
برای کارگران، الیکارشی پرو شمشک
از تدوین چنین قانونی با برپاشی
بقیه در صفحه ۱۰

بقدرت غزیده تا از ما پیش دو باره پس دهد،
اما پروی دهه هشتاد، همان پروی دهه
شصت نیست. اقتصاد پرو، ساختار اجتماعی
آن سطح آگاهی سیاسی توده ها، در طول
دوازده سال، دهگرگونیهای را شاهد بوده
است. برای اثبات این مدعا، همین بس
که برخلاف دیگر تجربیات جوامع آمریکای
لاتین، این بار این خیزش های توده ای و
بهرآمدهای کارگری بودند که نظامیان را
به پس کشیدن از قدرت در ۱۹۸۰ واداشتند،
و نه کودتای نظامی بمشابه بدیلی برای
"پاسخگویی" به بحران اقتصادی - سیاسی
دیگر اینک، در نخستین ماه حکومت
"بلونده" کارگران پرو، با برپاشی ۳۰
اعتصاب به استقبال اوشافتند و روزنامه
دست چپ "ال دیاریو دل مارکا" EL DIARIO
DE LA IZQUIERDA را تیراژی برآورد ۶۰ هزار نسخه
در روز به دو میلیون روزنامه با نفوذ کشور -

تبدیل شد.

برای فهم چنین روند سیاسی شدن
شتابنده ای، و درک علل رشدی چنین
چشمگیر برای جنبش کارگری، نگاهی به
تاریخ معا مپروومی افکنیم.

به برکت فروش کود حیوانی حاصل از
فضولات پرتگان مهاجر که در سواحل
پرو به وفور یافت میشد، این کشور توانست
در میانه قرن نوزدهم به روند سرمایه داری
شدن خویش شتابی بیشتر بخشد، اما این
شتاب در نخستین گامها با مشکلی دیگر
روبرو بود. با ۶ میلیون دلار پول حاصل از
فروش کود حیوانی، میشد برای احتی ماشین
را از اروپا وارد کرد، اما مشکل کمبود -
نیروی آزادکار، به سادگی قابل رفع
نشود. نیروی آزادکار را فقط میشد از قبیل
فروپاشی مناسبات ماقبل سرمایه داری
که هنوز در نواحی کوهستانی حاکمیت
داشته، تا مین گردویا از خارج از مرزها
ممنوعیت تجارت برده در سال ۱۸۵۲، -
الیکارشی را آنچنان در تنگنا قرار داد،
که تنها با استخدام ۱۰۰/۰۰۰ کارگر چینی

فراخوان اعتصابی عمومی از سوی
کارگران پروشی در روزهای ۱۹ و ۲۰ اوت
سال جاری، یک بار دیگر نشان از شکوفایی
هرچه بیشتر جنبش کارگری در این کشور -
آمریکای لاتین میداد. این اعتصاب که
بدنبال اعتصاب دوم ماه کارگران صنایع
فولاد پرو برپا شد، در اعتراض به اختناق
سیاسی حاکم بر کشور، با شکنجه و اعدام های
دسته جمعی مخالفان و سیاست های فلاکت
- بار اقتصادی ای بود که از سوی رئیس
جمهور "فرناندو بلونده تری" برای در بند
نگاه داشتن پرو در چهارچوب با زار جهانی
سرمایه داری، بکار گرفته شده است. جنبش
مردم فزاینده کارگری در پرو بویژه در یک
سال اخیر چنان ثقلی در فعل و انفعالات
سیاسی کشور یافته، که از هم اکنون طلبه
سرخ سرگونی حکومت "بلونده" را به

پیشانی اش نشانداده است.

"فرناندو بلونده تری" که در ۲۸ ژوئیه
۱۹۸۰ پس از دوازده سال آنهم در اشر
برآمدهای توده ای که منجر به پس کشیدن
نظامیان از حکومت شد، دو باره به قدرت -
غزید، در طول یکسال ریاست جمهوری خود،
نشان داده است که بورژوازی پرو و حزب
اوبانی حزب کنتش توده ای، هیچ برنام
- ای برای پاسخگویی به بحران عمیق
اقتصادی - سیاسی پرو ندارد. یکسال
حاکمیت آن بدنبال دوازده سال حکومت
ژنرال ها به رهبری "خوان آلوار دو لاسکو"
و سپس "مورا لیزر مودز"، بروشنی نما یا نگر
این واقعبیت بود و هست که تنها این
انقلاب پرو لتری و این برنامه عمل
کارگری است که قادر به حل بحرانی این
چنین عمیق، می باشد.

ژنرال ها که در سال ۱۹۶۸، دولت
"بلونده تری" را با کودتای نظامی به
زیر کشیدند، توجیه شان این بود که دولت
بلونده تری، به نفع آن راننده که بگونه
- ای موثر منافع خویش را تامین کند.
اینک همان باند حاکم ۱۹۶۸ بار دیگر

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای
رهائیبخش سراسر جهان

جنبش جهانی

زنده باد انقلاب پرو

بقیه از صفحه ۹

گودتائی توسط نظامیان، "پلینگ هاست" را از قدرت به زیر کشید.
اما جنبش جوان کارگری هم چنان برخواست هشت ساعت کار روزانه خود، پای می فشرد. بار دیگر در ۱۹۱۸ و در شرایطی که بحران اقتصادی ناشی از نخستین جنگ جهانی، سرا سرپور را در بر گرفته بود، موجی از اعتصاب کارگری تمامی مناطق صنعتی کشور را فراگرفت. اما صاحبان صنایع هم چنان بر مواضع قبلی خود که چیزی جز بی اعتنائی به این برآورد توده ای نبود، ایستاده بودند و نخستین موج اعتناق و سرکوب گسترده توده ای را که تا آن تاریخ در پروپی سابقه بود، انتشار حرکت سازمان یافته کارگری کردند. -
اتحادیه های کارگری غیر قانونی خوانده شدند و روزنامه های مترقی را ممنوعه خواندند. پلیس پرو، هر جا که با صف تظاهر کنندگان روبرو شد، گلوله های سربی را نشان کرد و صدها هزاران نفر را بخون نشاند. در ژانویه ۱۹۱۹ قندراسیون کارگری مجلسی لبحا که رهبری اش را آنا ویشیت ها داشتند، فراخوان اعتصاب عمومی ای را اعلام کرد. این اعتصاب که حتی از پشتیبانی قندراسیون محافظه کار صنعت گران خود نیز برخوردار شد، نتوانست که نتوانست پایتخت و همین طور شهرهای بزرگ پرو را از پای بیاورد. و نهایت اعلام موافقت سرما به داران به مذاکره پیرامون -
خواست های کارگران بود. در ۱۵ ژانویه ۱۹۱۹ بالاخره رئیس جمهور "غوزه پدرو" قانون ۸ ساعت کار روزانه را تصویب کرد. جنبش کارگری بالنده تر از پیش از میان این تجربه تاریخی روبه سوی شکل بیشتر و چشم اندازی روشن تریه حرکت خویش ادامه داد.

سال های دهه بیست قرن حاضر شاهد نضج و مصاف دو گرایش ایدئولوژیک در پهنه مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان پروئی بود: سوسیالیسم علمی و پوپولیسیم آمریکای لاتینی. این دو گرایش هنوز که هنوز است گرایشاتی عمیق را در جنبه مبارزه طبقاتی پرو تشکیل میدهند.
"غوزه کارلوس ماریا ته گی"، نویسنده ای سرشناس در ادبیات آمریکای لاتین، روزنامه نگار و نظریه پرداز منتقد سوسیالیسم علمی، رهبری نخستین جریان رادیکال داشت. او را بحق باید به رییس مارکسیسم - لنینیسم در پرو و نخستین سازمان ده و الهام بخش آشنا به مبانی سوسیالیسم علمی در جنبش کارگری - دهقانی پرو نام داد. او پرو را جامعه ای نیمه فئودال میدانست که از حضور یک طبقه سرما به دار حقیقی محروم مانده است و در آن مالکان بزرگ ارضی بورژوا نشده باقی مانده اند. به باور او، از - "اخلاق، شیاست و روانشناسی بورژوازی" در پرو، نمی شد نشانی جست. او تکامل سیرج جا مهرانه بار رهبری بورژوازی، که با رهبری کارگری متحقق میدانست. در سوی دیگر "ویکتور ها یادا لاتوره" رهبری جریان سیاسی پوپولیستی که با حزب اتحاد توده های انقلابی آمریکای (A.P.R.A) شناخته می شد، در کف داشت. حزب او، پوپولیسیم را با نام آپریسم، به مثابه گرایشی فکری، آمیخته با ناسیونالیسم بومی گراشی و سوسیالیسم تخیلی در جامعه پرو، باب کرد. در زمانه این حزب از "نبرد با سیاست دلار و با همه امپریالیستها

ملی کردن اراضی و صنایع آمریکا کشی کردن کانتال پائانا و هم دردی با طبقات استثنای شده، بسیار سخن رفته بود. -
ها یادا لاتوره "نیز هم چون ماریا ته گی" در جریان نضج و رشد جنبش کارگری در سال های ۱۹-۱۹۱۳، تربیت شده بود.
غلبنه گوئی و سلطه جوئی فاقد هرگونه پرنسیپی، از صفات بارز رهبری این حزب بود. این حزب بعدها عملاً "سوسیالدموکراسی پرو" را بنا بست. ماریا ته گی، یکی در آن زمان بیشترین تلاش را در تمهید توده ها، به عبارت پر دازی های سفیها نه، بکار گرفت. آپریسم "ها یادا لاتوره" هر چند که در نخستین گام، تمایلات شدیداً "فدائیمپریالیستی" داشت و با این خاطر توانست برای برهه ای به نوعی همگامی با بخشی از جنبش کارگری که زیر رهبری "ماریا ته گی" بود، برسد. اما تلاش ها یادا لاتوره "در کسب حمایت اقشار میانی جامعه و کوشش بی وقفه اش برای -
مخدوش کردن خطوط منافع طبقاتی متعارض خلیلی زود، این دو جریان را از یکدیگر جدا کرد. "ها یادا لاتوره" با باب کردن واژه های "چون" "بندو آمریکا" (Indo America) که تلاشی در راستای بسیج بومیان پرو بود، بر آن شد تا اختلافی از تمامی طبقات جامعه پرو، برپا دارد. او از سال ۱۹۲۴ که "حزب توده های انقلابی آمریکا (A.P.R.A)" را، به مثابه "جبهه واحد بین المللی کارگران بیدی و فکری" بنیاد نهاد، حتی یکدم از تلاش ماکیا ولیستی برای کسب قدرت دولتی، عقب نشست.
زمانی که "ها یادا لاتوره" بدنبال مخرج مشترک منافع طبقات متعارض به منظور تکیه گاه آپریسم بود، جنبش طبقه کارگر به رهبری "ماریا ته گی" زنده رفت. -
با لایش می یافت "ماریا ته گی"، "حزب سوسیالیست پرو" (P.S.P) را در ۱۹۲۸ برپا داشت و یک سال بعد دستک پایه "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (C.G.T.P) را، به مثابه نخستین کنفدراسیون ملی کارگران پرو بنا نهاد. این حزب که بعدها نام "حزب کمونیست پرو" را بخود گرفت، در آن زمان توانست بیشترین نقش را در سازماندهی کارگران معادن پرو داشته باشد.

موفقیت حزب کمونیست پرو، که بر بستر شرایط نسبتاً "دمکراتیک" توانسته بود به سازماندهی جنبش کارگری پرو بپردازد، موفقیتی دیرپا نبود. دولت "لگوا خیلی زود" توسط کودتائی نظامی برهبری "لئوئیس سانچسرو" که آشکارا سوسیالیست کشتار کمونیست ها را پیشه کرده بود، سرنگون شد. دولت جدید فوراً کنگره کارگران معادن را که در ۱۹۳۰ در "لا اوریا" برپا شده بود افعال این کنگره پرداخت. "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (C.G.T.P) غیر قانونی اعلام شد و "حزب کمونیست پرو" مجبور به پذیرش کار زیرزمینی گشت.
در همان سال، "ها یادا لاتوره"، "حزب توده های انقلابی آمریکا" (A.P.R.A) را به حزبی فعال در پهنه مبارزات انتخاباتی

پرو تبدیل کرد و خود را کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری خواند. رهبران این حزب در حالیکه سرپا "به عضو گیری از میان پرولتاریای شهری، مهاجرین جدید به پایتخت و دانشجویان دست زدند، عوام فریبانه شمار "پرولتاریای پرو، بر روی پای های خود به خیزید" را در هر کوی و برون بانگ میزدند. "ها یادا لاتوره" بدلیل قلابی بودن انتخابات سال ۱۹۳۱، نتوانست موفقیتی بدست آورد. اما موفقیت ژنرال "لئوئیس سانچسرو" نیز در برپا نشی انتخاباتی قلابی، موفقیتی دیرپا نبود. ۱۶ ماه پس از این انتخابات جنگ داخلی سرا سر کشور را فراگرفت و در جریان این ستیزه جریانی طبقاتی، شورشی نیز که در شمال توسط "حزب توده های انقلابی آمریکا" (A.P.R.A) برپا شده بود، در هم -
کوبیده شد. ژنرال "سانچسرو" تا کام از بهره جری از نتایج در سال ۱۹۳۳ بقتل رسید.

در طول دهه ۱۹۳۰ جنبش کارگری پرو همچنان تحت شدیدترین عملکردهای سرکوب پلیسی، حیات بنطی خویش را میگذراند و از فقدان یک سازمان سرسری کارگری رنج میبرد. در این برهه نفوذ "حزب توده های انقلابی آمریکا (A.P.R.A)" را عمدتاً "میشدرامیان کارگران صنایع نساجی و نیز صنایع دولتی شکر، جستجو کرد و از سوشی دیگر، کنترل حزب غیر قانونی کمونیست پرو، بر فدراسیون های کارگری شهرهای جنوب و نیز در میان کارگران -
ساختمانی حمل و نقل نیز، کنترلی -
محسوب بود.

هر چند که نیروی کار در پرو هم چنان روندهی از دیگر گونی های بحران را را میگذراند، اما بهر رو، پرو دیگر آن پروئی که ماریا ته گی در دهه ۱۹۲۰ می پنداشت یعنی پروئی نیمه فئودال نبود. بویژه از پس جنگ دوم جهانی، روند تکامل سرما به داری پرو، خصلتی شتابان به خود گرفت. جمعیت پرو در طول سالهای ۱۹۲۲-۱۹۴۰ یعنی در فاصله ۲۲ سال به بیش از دو برابر، یعنی ۱۲ میلیون نفر افزایش پیدا کرد، اما شماره مالکان ارضی کوچک و دهقانان اجاره نشین هم چنان ثابت ماند. از سوشی میشد که هشت شماره مزد بگیران روستا را که بخاطر ماشینی شدن کشتا وری و انکشاف روابط سرما به دارانه دز شهرها، را بروشی شاد نبود، از سوشی دیگر افزایش شماره مزد بگیران -
کشتا وری را که به دو برابر برسیده بود و نیز شماره مزد بگیران بقیه سفید را که افزایش هفت برابر پشت سرمی گذاشت.

بموازات نزول اقتصاد معیشتی در ارتفاعات "تدین"، هزاران هزار دهقان کنده شده از زمین، صنعت گران خود و دیگر گروه های تهیدست روستا، شروع به -
مهاجرتی وسیع به شهرهای بزرگ و بویژه "لیما" پایتخت نمودند. و اینگونه بود که "باریداس" (مناطق آلونک نشین)، یکبار در اطراف شهرهای بزرگ چون قارچ سبز شد. در فاصله سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۱، جمعیت لیما شهری که بیشتر صنایع کشور در آن متمرکز شده است از ۵۰۰/۰۰۰ نفر به ۱/۵ میلیون نفر رسید و شماره ساکنان "باریداس"، با بسیار تندی تهیدستان شهری، از ۵/۰۰۰ نفر به ۲۲۰/۰۰۰ نفر افزایش پیدا کرد.

سرما به پروئی هر روز بیش از روز پیش در

« اخباری از جنبش خلق »

« يك حرکت اعتراضی در ارتش »

روز پنجشنبه مورخه ۶۰/۵/۲۹ گروهی از کارمندان پادگان... بدلیل عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان و ادامه تبعیضات ناشناخته دست به حرکت اعتراضی زدند. جریان از این قرار است که: به کارمندان فنی ماهیانه میبایست ۸۰۰ تومان به عنوان حق فنی تعلق گیرد. که از سال ۵۶ این مبلغ به ۲۰۰ تومان تقلیل یافته و مابقی با آنها پرداخت نشده کارمندان از همان زمان به این عمل اعتراضی داشته و متوقع بودند که با سرنگونی رژیم پهلوی این خواسته آنان برآورده شود اما هنوز که هنوز است این وضع همچنان ادامه دارد. کارمندان که دیگر گام به میراث لبریز شده بودند تاریخ ۶۰/۵/۲۹ پس از مراسم صبحگاهی و سخنرانی دست به اعتصاب زدند. با مشاهده این حرکت معاون فرمانده پادگان در امور پرسنلی سرنگ نشد. با آنان صحبت کرد و با وعده و وعید فرستادن نتوانید آنان علی مردانی به فرماندهی جستجوی برای بررسی خواسته کارمندان موفق شد به اعتصاب پایان دهد. اما مراجع این نتوانید به فرماندهی جستجوی نداشت و فرمادهی این مسئله را موقوف به تصویب در مجلس کرد. این عمل سبب خشم کارمندان پرسنلی شده و مجدداً در تاریخ ۶۰/۶/۵ دست به اعتصاب زدند. این حرکت در پایان وقت اداری پنجشنبه ۶۰/۶/۶ خاتمه یافت. بالاخره با پیگیری این مسئله همچنانکه انتظار میرفت، مجلس مجبور شد به خواسته کارمندان دهد. اما اینبار نیز همانند همیشه ما هیئت فدا نقلاسی خویش را بخوبی عیان ساخت. زیرا علیرغم تصویب این اصل از جانب مجلس حق فنی آنها به کارمندان رده‌های بالاتر تعلق گرفته - (۱۸۰۰ تومان) و کارمندی که از نظیر اداری رده پایین تری دارند حداقل ۵۰۰ تومان اضافه شده.

« بخشنامه‌های وزارتش »

در روزهای اخیر حدود ۲۰ (بیست) بخشنامه از فرماندهی ارتش جهت کنترل دستورالعمل‌های لازم جهت جلوگیری از حوادث ناگوار (بخش اعلامیه - سمپاتی تبلیغ - اخلاک‌گری در امور ارتش) و برخورد با عوامل این حوادث به پادگان‌ها ارسال گردید. برنامه‌های فوق بدین قرار است:

- ۱- عواملی که سبب شک باقیین نسبت به افرادی می‌شود عیان رتند لبریز اعلامیه گویها، ارتباط با گروهها، عدم اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی، تظاهر و ابستگی به نظام گذشته.

در صورت شک به افراد مجازات‌های زیر را در مورد آنها به اجرا درآورد - فرستادن به بهداری - آموزش رزم انفرادی - قرارگاه - مزارع کار (کشا و رزی) - اگر قبلاً داشته‌اند که فردی در ارتباط با گروهی میباید مددک و غیر آن رسیدگی به وضع آنها در صلاحیت مسئولین پادگان نیست بلکه میبایستی آنها را به دادگاه انقلاب ارتش تحویل داد.

- ۲- اگر در یک پگان اعلامیه بخش شود فرمانده مسئول است تا ۱۵ روز یک نفر را به عنوان مسئول اینکار معرفی نماید در غیر این صورت فرمانده مسئول میباید خود محاکمه می‌شود.
- ۳- کنترل کلیه وسائل و حرکات و ارتباطات افراد مشکوک باید تحت کنترل فرمانده باشد و فرمانده می‌تواند در این عمل از افراد موثر من و صدیق به انتظاب اسلامی هر طوری که صلاح باشد استفاده نماید.
- ۴- در صورت بروز هر حادثه ناگوار روینا پیگیری نکردن در شنا سازی و تحویل افراد و فرمانده شخصاً مقصر می‌باشد.

« خبری از اداره آگاهی »

همراه با ایجاد فوشار از طریق حزب جمهوری اسلامی برای کشاندن پرسنل شهرسانی به درگیریهای سیاسی اداره آگاهی از مراکز است که پس از پیوستن تهران مدنظر رژیم است. از آنجا که رئیس آگاهی سرهنگ موبدی که فردی لیبرال بوده وزیر با حزب خمیرفت، وی از مقام عزل و بجای او سرهنگ طاهری رئیس سابق آگاهی مجدداً "به ریاست آگاهی منصوب گردید. وی که فردی مقام پرست و مزدور است، با قول کشاندن اداره آگاهی به درگیریها: میخواهد خوش خدمتی خود به رژیم نشان دهد. بهمین جهت در بدو بازگشت به سرگارد در سخنرانی که برای پرسنل ایراد کرد، تاکید کرد که بعد از این اداره آگاهی برای جلوگیری از سرفقت او میبایست مسلحانه وارد عمل خواهد شد. با این منظور اکیبهای گشت باید لباس ضد گلوله پوشیده و شجاعانه در عملیات شرکت کنند، و هر قدر ما شین احتیاج داشته باشیم را اختیار آنها گذاشته میشود. بهمین منظور به ما عات کار اداری نیز افزوده شد. بعد از انتخاب این مزدور روزنامه اکیب گشت در سطح شهر حرکت میکنند. اما واقعیت این است هدف رژیم عمدتاً کشاندن شهرسانی به درگیریهای سیاسی است.

در نظام آباد تهران وجود یک خانه تیمی به دو گروه فریت بطور مجزا گزارش میشود. و دیگر به دون اطلاع از کار گروه دیگر همزمان با هم به محل میرسد و در جایکه هریک به دیگری مشکوک است و تصور میکند

که طرف مقابل همان افراد خانه تیمی هستند. نیروی یکدیگر آتش می‌کشند و در این درگیری افرادی که بوسیله یک کلاهی زین می‌برد، ۲ نفر باقی مانده از گروه پیروز توسط افراد خانه تیمی خلع سلاح شده و در بیابان رها میشوند. سپس از روشن شدن قضا با دو نفر مذکور از سپاه اخراج میشوند.

« زنجان »

در تاریخ ۶۰/۶/۲۸ به ساداری وارد - کارخانه کبریت سازی زنجان میشود و چند نفر لومین و آریا مهری را که در رژیم جمهوری اسلامی رنگ عوض کرده و حزب الله شده اند بعنوان نماینده کارگران انتخاب میکند. این امر با مخالفت جدی همه کارگران مواجه میشود. گروه کارگران با این شیوه - های رذیله حکومت آشنائی دارند اما اینگونه اعمال رژیم، بیش از پیش ماهیت فدکا رگری رژیم را بنمایش میگذارد.

« اهر »

در روستای ویک (۲۵ کیلومتری اهر) برای شترزاعی که روی میدهد فردی با سم ها شمشیری را که در این نزاع شرکت داشته به سپاه پاسداران میبرند و او را به شلاق محکوم میکنند. در این حین ها شمشیر ساداری بنام علی رجبی فتن میدهد و پاسداران نیز بدون درنگ به وی شلیک کرده و ها شمشیر از رسیدن به بیمارستان اهر بشهادت میرسد. قابل ذکر است که پدر علی رجبی نگهبان مسجد جامع اهر است و خود وی نیز مسئول تجسس و بازجویی میباشد. پس از اینکه روستای شهید میشود سپاه برای پرده پوشی از این جنایت ها شرم را متهم به حمل اسلحه و فرار و غیره میکنند اما مردم از آنجا که این مزدوران را طی بیش از ۲/۵ سال بخوبی شناخته اند فریب این دروغ پردازیها را نخوردند و خشم و نفرت خود را از این جنایت ابراز داشتند.

« لرستان »

در تاریخ ۲۴ مرداد در ادامه درگیری بین یکی از افسران شهرسانی و فالانزها ساعت ۱۰/۵ صبح شاد درگیری از سردمداران - جماعتی از حزب اللهی به همراه عده ای - قداره بنددیگر به شهرسانی (میدان آزادی - زندان) پورش برده و کلیه وسائل آنها را بهم می‌ریزند، آنها ضمن کتک کاری رئیس نگهبان و پاساها ادعا می‌کنند که خودشان باید بجای شهرسانی مسئول شهر را بعهده بگیرند. در مقابل این عمل رئیس کلانتری به کلیه افسران و پاساها توصیه می‌کنند که هیچگونه عکس العملی نشان ندهند و فقط از اسلحه خانه محالقت کنند. بقیه در صفحه ۱۶

استقلال - کار - مسکن - آزادی

تحقق کودتا:

بقیه از صفحه ۶

است. او نخستین بار در سال ۱۳۲۲ به ما بعد از زکندفرا نی تهران و از جانب "سیا" برای خدمت در دفتر سوتوق المیشی به ایران آمد. دومین سفر او در ۱۳۳۶ بود. جمع آوری اطلاعات دربار رهگتایی که به تحت عنوان "اعراب هفت و تارخ" انتشار داده در آغاز جنگ کره بهما با رده بیگزولت را به خدمت گرفت و سپس او را به فرماندهی ضلعیات برگزید. روزولت در شهریور ۱۳۳۵ به ایران رسید. خاطرات او در باره کودتای ۲۸ مرداد و نقش او تحت عنوان زیرمختصر شده است:

K. Roosevelt :
"Coup, The Struggle For The Control of Iran"
New York, 1979, P. 218

که بعدها "سیا" او را "سترا بران" یا آقای ایران نسبت داده در طی سومین جلسه مذاکرات محرمات آمریکا و انگلیس به سمت فرمانده عملیات کودتا برگزیده شد. گرچه طرح براندازی دولت مدتی از همان اوایل ۱۳۳۰ در کار بود، و در همین سال گروهی از ایرانیان که روزولت از آنان با نامهای مستعار یاد میکند، به استخفا با زمان سپاه آمدند، آزمون - سنجی می شدند. بدیهی است در براندازی مدتی کار تلهای نفتی بیش از جراید دولتی امراردا شدند. گویاست که سرمداران - کودتا یعنی آلبین دالتی رئیس سازمان سیا و برادرش جون فوستر دالتی وزیر امور - خارج آمریکا، هر دو از آنها در آن محصله شرکت نفت ایران و انگلیس بودند. این نکته را بعد ها برخی از نشریات آمریکا، از جمله "نیشن" نیز در مقاله ای تحت عنوان "سازمان سیا" (۲۲ ژوئن ۱۹۶۱) افشا کرد. سایر عمال آن سازمان هم به وضوح معترف بودند که "ملی شدن نفت ایران، منافع غرب و آمریکا را به خطر می انداخت. "مدق حق چنین کاری را ندانست. "تراست - های آمریکا شی و با تکداریان مصمم بودند که این راه روی ثابت کنند" و وقت آن - رسید بود که با کودتا علیه مدق ایالات متحده به یک نما ربین المللی دست زدند: (اندرو تالی: "سیا"، ترجمه فارسی، ص ۷۰) هم زمان وزیر امور خارج انگلیس در خاطراتش می نوشت: اکنون من راضی بودم از اینکه با آمریکا در مورد ایران به توافق رسیده بودیم. "گرچه نظرمین در اول کار این بود که "مدق را بخریم" اما در آخرین مذاکره "چهارمین نتیجه رسیدیم که از براندازییم" (خاطرات آلبین دالتی، ص ۲۱۹)

دراوا آخرین ماه مه ماهه کودتا از ایالات آغاز شد. آبل بختیار ری در گردگی آفسوزان بازنشسته علیه دولت شوریدند. مخالفت نما بندهگان درباری و سر لشکر وادی در این توطئه آشکارا بود. با زورسی ها نشان داد که "۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار رشک با آجازه شاه

از ۱۹ اسفند تا ۲۸ مرداد

از ذبا برودا شکده افسری... به جنوب فرستاده شده (گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۹۲). مدق با ردیگرزادی را به مدت ده روز - بلز داشت کرد. اما علیرغم اینکه زنفش او در این توطئه آشکارا می داشت به مجازات او تن نداد و دوست او همکارانش را برای - اقدامات بعدی آزاد گذاشت. همین قدر به شاه اطلاع داد که "میخواهم بر فرا هموم کنم و مردم را از جریانات کشور مستحرفا زوم" - (کیهان، ۱۰/۱۲/۱۰، ص ۲۱)

از آنجا که نتایج عوارضی رفتارند و م در این روزها که مردم پیش از پیش علیه دیکتاتوری شاه بسیج میشدند، از قیل و پین بود. شاه با نظا هر به بیچارگی، رنجیده خاطر از دولت و ملت، و از خود کرد که قصد سفر دارد. قرار شد سفر شاه "محرمات" بهما بدو به اطلاع مردم نرسد. دولت پذیرفت، ده هزار دلار از هزینه دولت برای مخارج سفر فراموش کرد. اما تمام این طرح فقط برای آبل بود که مخالفان شاه، درسی عبرتی نتوانند دست به تظا هرات زینند و ارتش و اوباشان و روحا - نیون که از قیل و پین خورده بودند، در ۱۹ اسفند کودتا را تحقق بخشند.

صبح ۱۹ اسفند بهما می هم ضبط کردند. شاه میگفت: "هم وطنان عزیز! در این هنگام که به تجویز پزشکان برای اعمال جراحی بهما در صوبای اروپا حرکت میکنم، نخست به زیارت عتبات مقدسه که آرزوی من است میروم تا سعادت و رفاه حال ملت عزیزم را به شفاعت اولیای حق از خدای بزرگ مسئلت نمایم... به فرد فرد هم میهنان گرامی توصیه میکنم که از همزاری و مساعدت با جناب دکتر مدق نخست وزیر و زینتینما نی کام مل دولت فرود گذارند و برپا زینتینما نی کام مل دولت فرود مشکلات و نیل به هدف مقدس فلان و گندما - تا می باشد... اکنون هم میهنان عزیز را به خدای بزرگ سپرده، انتظار دارم از آنها نیز مراد دعای خیر فراموش نکنند.

مردم که نطق شاه را دلیل بر بیروزی دولت مدق تعبیر کرده بودند، بی خبر از - بسیجی بر نیروها، حرکتی نکردند. بدینسان تا کودتاگران با خیال آسوده دست بکار شدند. مدق خود میگوید: با اینکه من قصد سفر شاه را مخفی نگا هدا شده بودم، صبح - اسفند "حضرت آیت الله بهبهانی بوسیله تلفن شوال فرمودند: آبا علیه حضرت نی خواهند به خارج مسافرتی بهما بنند؟... چرا ما نرسد؟" (نطق ها و تارخی، ص ۱۱۲)

سپس اعلامیه آیت الله گاشانی انتشار یافت که میگفت: "با تقدیر از احساسات - میهن دوستی مردم، از همه خواها نم که با نیما بنندگان مجلس علیا، و روحا نیون و سایر طبقات همگاری نموده و متفقاً در خواست تجدید نظر در تصمیمات آبل حضرت... که منتهی به اشغالی کشور و با عت ندانست میشود، - با لاتفاقی جلوگیری نمایند." (کیهان، ۹ اسفند ۱۳۳۱). محتوای این بیانیه چیزی جز دعوت به بسیج نیروهای سلطنت طلب نبود

وسا ریور ابدین سان اجرا کردند: از ساعت ۵/۵ صبح روحا نیون، جمعا قداران بقاشی، افسران بازنشسته، اعلا یها شگانه تا چه سوی خانه آیت الله بهبهانی برای افتخار دنده "عده ای با مدای بلند گریسه میکردند... در نزدیکی کاخ مرزبان - تظا هرات میگردند و خطا به سر بازان می گفتند: غیرت کجاست، حمت کجاست، مملکت از دست رفت... (کیهان، ۱۹ اسفند ۱۳۳۱).

در برابرهیجان و شیون زنان، که بعدها تظا بران صحنه ها در کودتای شبلی، تکوار شد، آیت الله بهبهانی در برابرهی قمر شاه سخنرانی کردند و با نطقی که قبلا آماده شده بود، نظامیان و اوباشان را آماده از - پیش را برای دستگیری "مدق" طلعه - ی که در نطقی خاطرات را نسبت گشته بود، تهیه کردند. نیز اندازیه سوی خانه مدق آغا ز شدویکی از کارکنان دربار نتوانست نخست وزیر را از پشت با مفراری دهد. هم زمان اوباشان کفن و تشنه بهما را از رحله کردند مردم مزاولا داشتند که گاشا را تعطیل کنند و برای پشتینما نی از شاه سوی دربار روان گردند.

میدان نیمه گاشان کودتا با سرا زبردن مردم به خیابانها عقیم ماند. از مدای تیر - اندازی به خانه مدق، دانش آموزان - اطراف و نیز در دانشجویان، قیل از همه بسیج شدند، برای آگاشا نیندن مردم نخست شعار "هم شاه هم مدق" دست به راهبهیما شی زدند. با پیوستن کارگران و بازاریان به جمع و گسترده شدن صف راهبهیما یان، شعار به "یا مرگ یا مدق" تغییر یافت.

این بار نیز حزب توده، در تزلزل و - تردید، از اعلام موضع خود در این روز کرد و روزنامه های مسیو عمر خود را در آن روز انتشار نداد. اما با ردیگر جوانان حزبی، بی انتقاد منتظر نمودند و خبری بهما بنند - گسترده تر از پیش به مردم پیوستند. لیکن این آخرین باری بود که گروهی سیاسی، با اتحاد عمل، در کنار یکدیگر قرار گرفتند. شعار واحد برگزیدند و با تظا هرات همه جا به ووسیر در طی دو روز، کودتا را با - تکست و برپا کردند. از این پس نفاق و تفرقه در میان احزاب، مردم را هر چه بیشتر به سرگردانی و انفعال کشانید و بر قدرت عمل نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی افزود. از اوایل سال ۱۳۳۲ مخالفت ها منجلی هدمها مدق تشدید شد. تا جاشی کسه گاشانی از تشکیل جلسات علنی مجلس جلوگیری کرد. علت این بود که جناح - مدق خواستار "سلب مصونیت" از دکتر بقاشی بعنوان شریک قتل افشار طوس و تعقیب سر لشکرزادی به همان اتهام بود. مجلس به شگایت و اعلام جرم دادگستری نیز در این مورد ترتیب اثری نداد. اکنون بدیهی بود که مدق قادر به کار کردن با آن مجلس نبود، در خواست انحلال آن را - داشت، و به فرا تادمی اندیشید. اعضای عیبه ملی این اقدام او را تندروی تلقی می کردند. حتی دکتر مظنی غرض بهبهانی که بدست مدق و پس از تلاش های بی گبر، به ریاست مجلس به جای گاشانی برگزیده

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

مانورهای دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال و نیم گذشته در عرصه سیاست داخلی و خارجی خود دچار شکستهای فاحشی و بی دردی شده است و بطور کلی در عرصه سیاست خارجی و مناسبات بین المللی منفرد و ایزوله شده است. -

سیاست نه شرقی و نه غربی رژیم که مضمون حقیقی آن بان اسلامیسیم ارتجاعی و گسترش مناسبات با ارتجاعی ترین دولتها و جنبشهای میپا شد اینک نتایج خود را تا ما آشکار ساخته است. این ورشکستگی سیاست های رژیم در شرایط کنونی بچنان مرحله ای از بی اعتباری و انفرادی رسیده است که رژیم را واداشته بمنظور خروج از انفراد بین المللی در سیاست خارجی دست بیک سری مانورهای دیپلماتیک بزند. -

پیشنها در تشکیل جبهه اسلامی علیه کفر و الحاد جهانی که در حقیقت تکرار ابلهانه وادامه همان سیاست بان اسلامیسیم ارتجاعی منتهی در پوشش دیگریست، مسافرت اخیر رئیسجانی به مالزی و جمهوری دمکراتیک خلق کره شرکت وزیر امور خارجه در کنفرانس سران جبهه پایداری بمنوان ناظر و شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس بین المللی مسالاس، نمونه بیک چنین مانورهای دیپلماتیک محسوب میشوند که رژیم جهت رهایی از انزوا و بین المللی در پیش گرفته است.

واقمیت اینست که در آغاز یکسده رفت رسیدن رژیم کنونی بسیاری از دولتها و جنبشهای انقلابی و مترقی جهان هنوز درک درستی از ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و عملکردهای ارتجاعی آن در عرصه سیاست های داخلی و خارجی نداشته اند. بویژه با هیا هوئی با ملاحظه بر زه فدا مهربا لیستی رژیم و دفاع آن در حرف از جنبشهای انقلابی برخی نیروهای مترقی در سطح جهان تصور میکردند که برآستی رژیم جمهوری اسلامی - رژیم بی انقلابی و فدا مهربا لیست است. - اما گذشت مدتی کوتاه کافی بود تا عملکردهای رژیم در سطح بین المللی ماهیست ارتجاعی سیاستهای خارجی این رژیم را بر همگان آشکار سازد.

رژیم جمهوری اسلامی که در آغاز زوجه داده بود از جنبشهای انقلابی و مترقی سراسر جهان حمایت و پشتیبانی کند، در عمل نزدیک ترین متحد مرتجع ترین انقلابی ترین جنبشها نظیر مرتجعین افغانستان، جنبش ارتجاعی امل، حزب - الدعوه عراقی، اخوان المسلمین و امثالهم از کار برداشته. دشمنی خود را با کمونیستها این بی گمترین نیروهای انقلابی در جهان و نیز دمکراتهای انقلابی پیش از پیش آشکار نمود و در زیر پوشش مبارزه با دو ابر قدرت و پیشبرد سیاست با ملاحظه نه شرقی و نه غربی نزدیکترین مناسبات - اقتصاد و سیاسی را با دول مهربا لیستی اروپا و ژاپن برقرار نمود. این سیاستهای ارتجاعی بهترین راه یک سری ناشرکریهای

انتی بی در سطح جهان نمیتوانست در مدتی کوتاه رژیم را در سطح جهانی افشا و منفرد نماید. در منطقه خاور میانه نیز بی از گذشت مدتی کوتاه سیاستهای ارتجاعی رژیم بر همه جنبشها و دولتهای انقلابی و مترقی آشکار شد. چنانکه برخی از دولتها و جنبشها نظیر جنبش آزادیبخش فلسطین، دولت لیبی، - که در آغاز مناسبات با جنبه حسنه ای با رژیم جمهوری اسلامی داد و پندیدند در پی به ما هیت ارتجاعی سیاست خارجی رژیم بودند در ماههای اخیر با افشاء خبر مربوط به خرید تسلیحات از دولت میهن دوستی اسرائیل مناسبات آنها بنها پت سردی گرا شد و کار به جایی رسید که روزنامه جمهوری اسلامی چنین پیش نوشت تنها دولت انقلابی در منطقه - دولت سوریه است! و نیز خبری مناسبات رژیم با جنبش آزادیبخش فلسطین بمرحله ای رسید که در مراسم روز قدس ترغلاف سالیهای قبل هیچجا بنده ای از طرف این سازمان در مراسم شرکت نکرد. با زمان آزادبخش فلسطین همچنین سخنان نمابنده خود در ایران را در مورد عراق و حوادث ایران در آنجا رژیم، تکذیب کرد و با لایحه پس از - ملاقات هانی الحسن در پاریس با بنی صدر و رجوع و زنا مذهب زادگان طی جمله شدیدی به سازمان آزادیبخش فلسطین هانی الحسن را خائن خواند و نوشت که اینها پدایسن خائنین را از سازمان اخراج کند!

این مجموعه شرایط نشان میدهد، به همان نسبت که سیاستهای ارتجاعی رژیم در داخل عربیا نترو افشا تر شده است، در سیاست خارجی نیز که چیزی جز آدامه وانگاری همین سیاست در خارج نیست. رژیم در ورشکستگی و انفرادی شده است. از این رومانورهای دیپلماتیک اخیر رژیم، تلاشهای در جهت - رهایی از این انفرادی محسوب میشود. سوی این مسئله رژیم اهداف مشخص اقتصادی و سیاسی را نیز در این سلسله مانورهای خود دنبال میکند. در شرایطی که رژیم با بحران اقتصادی و خیم روبروست، یکی از اهداف دیپلماتیک کنونی رژیم کسب کمکهای - اقتصاد و گسترش مناسبات اقتصادی بین المللی است تا تا پدید بنظر بتواند، از بحران و خیم کنونی نجات یابد. گسترش مناسبات با کشورهای سوسیالیستی نیز از اهداف رژیم است. این هدف است و از سوی دیگر توجهی برای گسترش مناسبات گسترده با دولتهای ارتجاعی محسوب میگردد. بر کسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی طبعی غمناک دارد و دودیده های تبلیغاتی خود را گنجانده و بهترین و بهترین مناسبات اقتصاد و سیاسی را با دول مهربا لیستی و دولتهای دست نشانده و وابسته ای نظیر ترکیه و امثالهم داشته است. اما اکنون می گویند با برقراری مناسبات با دولتهای - دیگر بویژه دولتهای مترقی و انقلابی چنین وانمود کنند که از یک سیاست مستقل گویا سیاست نه شرقی و نه غربی است پیروی می کند. اما حتی برقراری و گسترش مناسبات

اقتصادی با دولتهای مترقی نیز در راهی در ماهیت ارتجاعی و فدا انقلابی سیاست خارجی رژیم تغییر پدید نخواهد آورد. هیا نگرده که گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی رژیم با کشورهای سوسیالیستی بجهت دلیلی بر مضمون مترقی سیاستهای خارجی رژیم نبود. هم اکنون نیز مناسبات نزدیک و حسنه بهم عراق با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ذره ای از ماهیت ارتجاعی سیاستهای داخلی و خارجی آن نیست که در برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی و حکومت و عیم اقتصاد و سیاسی رژیم جمهوری اسلامی با کشورهای سوسیالیستی بجهت در ماهیت ارتجاعی سیاستهای آن تغییر پدید نخواهد آورد. زیرا سیاست خارجی این دولت در اساس تداوم همان سیاست داخلی ارتجاعی و فدا انقلابیست. سیاست خارجی هیچ دولتی نمیتواند جدا و منفک از سیاستهای داخلی آن دولت و مجموعه عملکردهای رژیم سیاسی حاکم و طبقات حاکم باشد. دشمنی با طبقه کارگر، توده های بزمگش و سازمانهای انقلابی و مترقی و سلب ابتدائی ترین حقوق توده ها نمایی نتواند در سیاست خارجی بصورت دشمنی با طبقه کارگر جهانی و جنبشهای انقلابی مترقی متجلی نگردد. این دشمنی با طبقات و اقشار انقلابی و سرکوب آنها در داخل، از لوازم در سیاست خارجی نیز نمیتواند محسوب گردد. این همان آدامه سیاست داخلی در خارج است که خود را در حمایت رژیم از جنبش ارتجاعی امل لبنان در مقابل کمونیستها و دولت لیبی نشان میدهد. این همان دشمنی با نیروهای انقلابی و مترقی و دفاع از طبقات ارتجاعی در داخل است که در سیاست خارجی بدرجایه تپوششهای از مرتجعین و مزدوران آمریکایی افغانستان نمود پیدا میکند. -

این همان آدامه سیاست داخلی است که در میان همسایگان ایران بهترین مناسبات با رژیم دست نشانده ترکیه برقرار میگردد. این همان آدامه سیاست داخلی است که خود را در خارج پیدا طعمه از اسرائیل، بقایا قرار داده های اسارت با ربا مهربا لیستها و زد و بندهای دیپلماتی سری با مرتجع ترین نیروهای جهانی خود را نشان میدهد. این همان آدامه سیاست داخلی است که نمایی نتواند در منطقه جنبش آزادیبخش فلسطین و رژیم ایران را در کنار یکدیگر قرار دهد. زیرا اینی لمثل تضاد دولت لیبی و جنبش آزادیبخش فلسطین با اسرائیل از مضمون مترقی و انقلابیست در حالیکه تضاد رژیم جمهوری اسلامی با دولت اسرائیل از مضمون ارتجاعی است. از مضمون سیاست ارتجاعی بان اسلامیسیم است. این است دلیل اینکه چرا مانورهای دیپلماتیک رژیم منتهی فادرنیست حیثیت تازه ای بان بخشه بگفته پیش ازینما ماهیت سیاستهای آنرا افشاء خواهد کرد و آنرا در سطح جهان بیشتر ایزوله و منفرد خواهد نمود.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

نیروهای مسلح وانقلاب

بقیه از صفحه ۵

از طریق این عناصرونیزفتوهای خمینی و اعمال فشار در شرایط فعلی که درگیریهای سیاسی روز بروز حادث شده و بمرغمه غیاب آنها کشیده شده، شهرهای را بمیدان بکشانند. سخنرانهای خمینی و بعضی دیگر از سران رژیم نظیرهاشمی رفسنجانی و اطلاعیه های یکی دو ماهه اخیر که مبنی بر موضع تند انضامی شهرهای بود، بخوبی بیانگر این امر است که شهرها را به باد گلوله تن با پسند خواست نخواهد داد. برای اینکه به پیوسته حزب در این امر تا حد موفق خواهد بود، وضعیت فعلی شهرها را از نظر سلسله مراتب و گزارشات سطوح مختلف آنرا مورد بررسی قرار میدهم:

فرماندها و اصلی به دو بخش تقسیم میشوند: اول عناصر مورد اعتماد حزب نظیر سرهنگ دیناچی جانشین رئیس شهرها، عسکری رئیس اطلاعات (توضیحات اینکه این مفاصله قبل از انتخاب حجازی بهرین است شهرها را تهیه شده بود) و پس از آن همان ضداطلاعات و رئیس با زوسی که عامل مطم اجرای دستورات حزبند، دیگر لیبیرا لهایی که با فرماندهی حفظ موقعیت، دستورات حزب را ابلاغ میکنند، رئیس شهرها، اما وین وی و رئیس پلیس شهران و غالب روسای - شهرها را ایستادن آنها از این قضا شده، اینها از نظر تعداد دیرینا مرکزهای برتری دارند و نیروی درجه دوم مورد اعتماد در رژیم بشمار میآیند. دستورات حزب را با اندکی تعدیل ابلاغ و اجرا میکنند. فرماندهان رده پایین تر اگر چه همانند دستها لایبرای حفظ موقعیت تن به اجرای دستورات میدهند، اما از آن جا که از جانب دیگر مواجبه روحیه شدید ضد حزبی پرسنل هستند عمدتا "اشکالات را به گردن فرماندهان با لاتر انداخته و راه - گریزی برای خود بازمیگذازند و در این جهت جا بجای در این قسمت زیاد دیده و یکی از مشکلات حزب در حال حاضر تمکین این رده میباشد. روسای زندانها و روسای شهرهای ایستادن آنها از این دستند. با اعمال فشار بخشی از اینها به دستورات حزب گردن - گذارده و دستهای وادار به کناره گیری می شوند. هر چند مشکل حزب که تسلط کامل بر شهرها را است همچنان لاینحل باقی میماند. اما نیرویی که پیش از همه مدنظر حزب است فرماندهان دون پایه نظیر افسران جزو و تعدادی از افسران ارشد است. اینها از جنبه مسئولیتها اجرای آنها که دارند بیشتر مورد توجه حزب هستند. از طرفی از طرفی رده های بالاترمت فشار رده های با موج نا رضایتی پرسنل مواجهند. در این جهت بیباستان غالباً عدم شرکت در مسائلی سیاسی در گریهها ست و چندان نگران - مقامشان نیستند. بیشتر تمایل به خدمت در ستاد دارند و رندتا مفاول جا بجای در

این رده بسیار است شما را تنها "نه سبب سوزن نه کباب" میباشد. نیروی دیگر پرسنل (افسران جزو، درجه - داران، ماموران، پاساژان، پلیسهای وظیفه) شهرها را است. که عمدتا از شرکت در درگیریهای سیاسی اجتناب میکنند. مهمترین عواملی که مانع شرکت آنها میشود تجربه قیام است زیرا در جریان قیام آنها به معینه تا حد فزونی سیستم شهرها را به دست توانای توده ها بوده اند. آنها براحتی حاضر نیستند این تجربه را تکرار کنند. به طوریکه با رهائشده شده که میگویند "یکبار شرکت کردیم نتجها را دیدیم، اما احساس نیستیم که دوباره تکرار کنیم" و یا "کلوا ما نیا بدیه مردم بخورد" ترس از خشم توده ها مهمترین عاملی است که مانع از قیام بیوز شهرها را در سرگوبهاست. علاوه بر این عامل تفادی که با گنجه ها و سایر وجود دارند نیز مانع از آنها را از این ارگانها - ست. بحران اقتصادی و سیاسی جامعه که مانع تشبیه موقعیت رژیم میشود. و همین چنین وجود نا رضایتی وسیع در توده ها و فعلا لیت نسبی نیروهای انقلابی از جمله عوامل دیگر است که در این نوع برخورد - شهرها را دخیل است بعلاوه از آنجا که پس از قیام تشکیلهای توده ای بسیار از پرسنل انقلابی با کار آگاهانه عواقب رودر - رویها مردم را تبلیغ و ترویج کرده بودند. مجموعه این عوامل سبب شده که پرسنل شهرها را بیشتر نظارت و گریه ها را با شدند و همانطور که در کل جامعه نیز این امر مشهود است آنها بدنبال اثرنا تبقو قدرت مسی کردند. این عدم فعلا لیت بیوز در سطوح پایین به چشم میخورد. بروز این گریهات در صورت فردی بودن شدیداً "سرکوب میشود. در حال حاضر حرکت جمعی نیز به چشم نمیخورد. مبارزه آنها جنبه انفعالی دارد. زیرا - فشار رده های توده ها و فشار حاکمیت هنوز به درجه ای نرسیده که تصمیم گیری آنها را موجب شود.

نیروهای انقلابی نیز علیرغم حضور در این ارگانها بدلیل ضعف سازماندهی از آنچنان قدرتی برخوردار نیستند که بتوانند نقش تعیین کننده ای ایفا کنند. بهم جهت علیرغم فشارهای حزب به پرسنل شهرها را برای شرکت در درگیریهای سیاسی و معالفت از شخصیتها، آنها نقش فعالی را بازی نمیکنند. آنچه چشم انداز آینده نوید میدهد اینست که همراه با او ج گیری مبارزات توده ها و اعتلا جنبش توده - بی بخش وسیعی از پرسنل به توده های مردم خواهد پیوست. زیرا دیگر نخواهند توانست مانع تراشید گنونی بندگی - کنند. دورا به بیشتر وجود ندارد زیرا سرکوب توده ها و با پیوستن به آنها. اما سرکوبها یکبار در جریان قیام تجربه کرده اند پس بهترین راه پیوستن با انقلاب است. مفاقا اینکه حزب جمهوری نیز علیرغم تلاشهای مذیو با نش بدلیل داشتن با یکباره توده های در شهرها را قادر به پیوستن به اهدافش نخواهد بود. زیرا از سلسله مواضی که ذکر شد جز مژه های خود حزب و فرمان - دهان مزدور طبقه غالباً مخالف پذیرش ا توریته حزب هستند.

زندگی و مرگ چگوارا...

بقیه از صفحه ۲۰
منا به تنها راه حل آن خلقها را که برای رها نشی خویش می رزمند عقیده دارم و در عقاید مذهبیکم. بسیار میا چرا جویم خواهند خوانند. ما چرا جویم، منتها زگونته دیگری. از آنگونه که جان خویش را به مخاطره میاندازند تا سخنانی را که بیان عقیده دار دیگر می نشانند.
ممکن است گاه این پایان کار من باشد. من بدنبال این پایان نمی روم. ولی این پایان در محدوده منطقی احتمالات میگردد. اگر چنین باشد آخرین واداعرا - میکنم. من شما را بسیار دوست داشتم. تنها نمیدانستم این علاقه را چگونه بیان دارم. در رفتارم خشک هستم و فکرمیکنم که شما مرا نمی فهمیدید. فهمیدن من کار - آسانی نبود. با اینهمه خواهش میکنم حرف مرا بنویسید. اکنون اراده ای که با شما میقتش داده ام به مدد پای های لرزان و شش های خسته ام خواهد شد. از عهد فراقی برخواهم آمد.
گاه بگاه ما بین سر با کوچک سرنوشت سده به ستم اندیشه ای کنید.
علیا، رو بر تو، بخوان ما رتین، هر تو - تن، بنات تریس و سایر اهل خانوادها را بی بوسم. فرزند سرفست و سخی تان شما را از دور می بود. ارنستو و چه گوارا تلقی از شما را از مرگ در یکی از آخرین نامه ها پیش به فیدل گاتو و چنین بیان میکنند:
"یکروز از یکا یک ما پرسیده شد که در صورت کشته شدن هر یک از ما کسان او را چگونه باید مطلع کرد؟ در آن لحظه مکان واقعی کشته شدن همه را از برتا شبرخود گرفت. ما بعدا دانستیم که این واقعه است که در انقلاب - اگر انقلاب واقعی باشد انسان با جان میساید و با پیروز میگردد. بسیاری از رفقا در راه پیروزی جان سپردند. و او در راه پیروزی زحمتگشان جهان این چنین جان سپرد.
با نتی بردویکی از همزمان چه گوارا و یکی از رهبران با قیام نده جنبش بولیوی در ژوئیه ۱۹۶۸ یعنی هشت ماه پس از شهادت چه گوارا در راه مرگ او نوشت:
"درفش ما چرک خورده است ولی هرگز بر زمین نخواهد افتاد.
ای - ال - ان خود را وارث سرمشق و آموش های چه، این بولیوار رنوین آمریکای - لاتین میدانند.
آنها را که از روی زبونی او را کشته اند هرگز قادر به از میان بردن اندیشه ها و سرمشق او نخواهند بود. بگذار یک - امیز با لیستها و چا گران نشان از آوازه های پیروز مندا نه خودم بیندند زیرا که جنگ به پایان نرسیده است بلکه تا زه آغاز پذیرفته است. ما بگویم زخواهیم گشت....
در لحظات سرنوشت ساز کنونی میبایست ما، مبارزان جوان و انقلابیون سرفست میهن ما تجسم پیولادین چه گوارا را، ژولینوس فوجیکها، روزها، جسیله بوپاشا، بوپان - ها، روزها، پرنوشها، بنا بدل هتا، مهدی ها، مسعودها، بیژن ها، و... هستند. که درفش مبارزه علیه امپریالیسم و رتجاع را تا پیروزی انقلاب بدونش خواهند کشید.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



شورای نگهبان حافظون نگهبان منافع مالکان و سرمایه داران

مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان - اعتراض نمیکند که چرا با لایحه "اراضی شهری" ریا "اراضی مزروعی" خارج شهرها "مخالف است بلکه ملت با زسورای نگهبان - استدعا میکنند که خودشان کار تنظیم "لایح راه همگام کنون بعهده مجلس شورای است عهده دار شوند که از اتلاف وقت تمام بندگان - جلوگیری شود!

مخالفت شورای نگهبان با لایحه نیم بند "اراضی شهری" و "اراضی مزروعی" خارج شهرها "ومخالفت خمینی و سایر "آیات - عظام" با بندج و بندد لایحه زمین همگام - برای این امر است که دستگاه ولایت فقیه با هرگونه تغییر و تبدیلی که بنا به شرايط و موقعیت رژیم در مالکیت و مناسبات حاکم بر آن ضروری باشد، مخالفت است. این امر ثابت میکنند که آنچه همگام کنون در مورد معادله اموال منقول و غیر منقول سرمایه داران و زمینداران بعمل آمده در مورد مخالفین سیاسی رژیم بوده است که غالب آنها هم بعلمت ترس از جنبش خلق فرار را برقرار تر جیب داده بودند. و اگر نه بوضوح دیده میشود که ما حیا ن واقعی قدرت کنونی یعنی دستگاه هر ولایت فقیه یعنی خمینی شورای نگهبان، آیات عظام، آئمه جمعه ها کارگزاران حوزه های علمیه و نمایندگان اما در ارگانهای مختلف نگهبانان واقعی مالکان و سرمایه داران هستند که دفاع از حق مالکیت را بنا به قاعده - "الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم" وظیفه شرعی خود قرار داده اند. تبادل

مخالفت است - سید محسن یزیدی و میرغفاری نماینده - تبریز در جلسه دوم بهرمه ۶ در مجلس ضمن نطق قبل از دستور چنین گفت: "مسئله دیگر تذکری است به شورای نگهبان - موقعیت قانونی شورای نگهبان مشخص است و اظهار نظرهای شورای نگهبان طبق فرمان اما موقانون اساسی مطاع است و لکن من میگویم شورای نگهبان بیایند واقمیت های جا معما را توجه داشته باشند. یکی از مسائل واقعی و واقمیت های عینی جا معما مسئله زمین است. اراضی شهری و اراضی مزروعی خارج از شهر - شما میگویند راه چلی که مجلس داده است و خواهد داد و باید بگردان خود اهدا در امل اسلامی نیست شما باید شیدا امل اسلامی انرا به مجلس ابراهید تا ما انرا تصویب کنیم. منتظر آن نباشید که مجلس کاری بکند و شما انرا رد کنید"

با این ترتیب می بینیم که با لایحه - یک فرد جرئت کرده و با هزار ترس و لوسز این مسئله را آنهمه رلفا فاش کند که شورای نگهبان با تصویب لایحه زمین - با استناد مقررات شرعی مخالفت است. ضمنا "مسئله دیگری که از سخنان میرغفاری فهمیده میشود اینست که شورای نگهبان نه تنها با قانون اراضی شهری مخالفت است بلکه با لایحه "املاک اراضی اسلامی" و یا "زمینهای مزروعی خارج شهرها" که روی آن تبلیغات زیادی کرده اند و غیرا - به مجلس داده شده است، نیز مخالفت است. و آقای میرغفاری به نمایندگی از طرف

چندی پیش لایحه "اراضی شهری" از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و برای اظهار نظر و تصویب نهائی به شورای نگهبان داده شد. ما در مقابل ای ضمن برخوردی به این لایحه نوشتیم که ضرورتی ناشی از - بحران اقتصاد ملی موجب شد که دولت موقت عملا "خرید و فروش زمینهای سطح شهرها - متوقف کند و پس از دو سال و نیم که این امر اجرا میشود دولت تصمیم گرفت آنچه را که عملا اجرا میکرد بصورت قانونی در آورده و بخشی از این زمینها را به متعلق خود در آورد. اما همانطوریکه میداند نیم دروا قع امر قوانین در مجلس تصویب نمیشود بلکه فقط "تنظیم" میشود از گانه که در واقع قوانین را به تصویب نهائی میرساند شورای نگهبان است که دارای اختیارات حق و تود در مورد تمام قوانین مبوب در مجلس است. این شورای شیوخ که اعضای آن ۱۲ نفرند جای - مجلس سناى شاهنشاهی منتهی با اختیارات بر مراتب وسیع تر از آن را گرفته، حق دارد هر قانونی را که مجلس به تصویب رسانده - تحت عنوان اینکه مخالف قانون اساسی و یا مخالف مقررات شرع است و تو کند. و اکنون که هفته ها از تصویب لایحه "اراضی شهری" میگذرد شورای نگهبان از تا شید آن خودداری کرده است.

شورای نگهبان ریا "در باره این قانون اظهار نظر نمی کرده، مطبوعات دولتی و تحت سانسور شدید اخبار و قابع را در چینی کنند و لی آنچه شنیده شده و غیرا "نمایندگی تبریز بطور سربسته اظهار کرده، "گشفت" می کردند که شورای نگهبان با این قانون -

زنده باد انقلاب پرو (۱)

بقیه از صفحه ۱۰
صنایع جاری می شود. کشری از کشت کنندگان شکر و پنبه نیز، پیشینه خویش را بوسیده و کناری نهادند و به سراغ صنایع فلزی، رنگ سازی، شیشه سازی، گشس سازی و نساجی رفتند. سرمایه خارجی که بیشتر بگونه ای چشمگیر در بخش معمولا ت کشا و رزی - معدنی صادراتی متمرکز شده بود، کم کم بحافظه - کارانه گام در راستای سرمایه گذاری در بخش صنایع می گذاشت. و آ.ر. کریس درگاه غنای سرمایه گذاری کرد و کمپانی کودیر، نخستین کارخانه لاستیک سازی پرو را بنیاد نهاد. در سوشی دیگر سهم کشاورزی از بازده ملی در طول دهه پنجاه هم چنان رو به نقصان داشت و نهایتا "در سال ۱۹۶۵، تمام آذربایجان رفت. اما برعکس سیلانی که پول در دست و سوی حجت داشته سرمایه داران صنعتی عملا قدرتی تعیین کننده در حیات سیاسی کشور، به شمار نمی آید. سیاست های دولت و نیز ذخیره های مالی، به گونه ای گسترده توسط الیکارشی سنتی، پنبه، شکر و معدنی و مو تلفین بیگانه آنها کنترل میشود.

نسبت ۲ و ۲ به بانک ملی بهر داد زد. پس از پایان جنگ، شوروی ۲۰ میلیون دلار به ایران بدهکار شد و جمعاً طلب از شوروی معادل ۱۳۲۲/۲۴۲/۵۰۵/۵۰۵ ریال بود که در ۱۳۲۲/۲۴۲/۵۰۵ ریال به دولت زاهدی - پرداخت شد. اما آنها سر با زدند و دولت مجارستان نیز اعلام داشت که مسئله خرید نفت با صراحت دولت ایران "در موافقت - نامه ها کنجا نیده شده، سندی نیست، ندارد، و کشورهای سوسیالیستی از خرید نفت ایران منصرف شده اند.

راهی جز این نماینده بود که در آن شرایط سخت که همه نیروهای ارتجاعی متحد در کمین بودند، دولت در تحکیم موقعیت خود روی به مردم آورد و برای رها شی از تنگنای اقتصادی و سیاسی از نیروی توده ها و اتحاد عمل گروه های سیاسی بهره جوید. مردم این آمادگی را با رها اعلام داشته بودند، چه در بهر چه در ۹ اسفند و به رغم گسوت و با خیانت رهبری احزاب. اما اگنسون مخالفان و دشمنان جنبش، همیشه ضراب همیشه مردم را کشته ترا پیش به میدان آمدند، تظاهرات سالگرد شهدای ۲۰ تیر - جلوه های از این سردرگمی و نوا کندگی متوقف بود. به اختصار اشاره می کنیم.

تحقق کودتا:

بقیه از صفحه ۱۲ = از اسفند تا ...
شده، اعلام میداشت: "با پدا از خلال و عطیات خلاف آئین نامه دست کشید، "استیضاح" کافی است و "احتیاجی به رفراندوم نیست" (۱۳۲۲/۲/۲۴) اما معدق ناگزیر بود برای کاستن از بحران ها به "لایحه اختیارات" عمل کند و با اعلام رفراندوم آزادی عمل بیشتری بدست آورد.
اکنون دولت تا امید از آمریکا دریافت و ام برای حل بحران شدید مالی روی به کشورهای سوسیالیستی آورد. قول دادند که نفت ایران را بخرند. ۱۱ خرداد ۱۳۲۲ - موافقت با مه با زرگانی ایران و شوروی به امضاء رسید. دولت ایران معرانه خواستار استرداد بازده تن طلای ایران - (۲۰ میلیون دلار) از شوروی گردید. (در ۱۳۲۱ قرار دادی بین ایران و شوروی - برای پرداخت نیا زمینهای ارتش سرخ در ایران و هزینه حمل و نقل نظامی به شوروی از طریق راه آهن امضاء شد. مسی با بست طبق این قرار داد، شوروی ۲۰٪ ارز تضمین شده را به طلای ۹۰ شمش طلا به

داده دار

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

۱۷۵	سید عباس بنی هاشمی	۶۰/۶/۲۱۷۶	قاظم شهر	محمدافشاری نیا	۱۰۶
۱۷۷	تقی بای	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	حبیب الله خا نعلی	۱۰۷
۱۷۸	نا مرزوزی طلب	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	محمدحسین تدبیری	۱۰۸
۱۷۹	عبدالحسین ترا بی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	نصرالله روجی	۱۰۹
۱۸۰	جلال قدرت	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	مهدی حیدری	۱۰۰
۱۸۱	ابرجوطن خواه	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	نادر یوسفی	۱۱۱
۱۸۲	حمید علیزاده	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	آریا الوندپور	۱۱۲
۱۸۳	احمد غریبی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	فرشیدا مینا	۱۱۳
۱۸۴	بهنام مهرپور	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علی سلامتیان	۱۱۴
۱۸۵	علی رحمانی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	یوسف مشتری	۱۱۵
۱۸۶	علی کولی وند	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علی غلامی	۱۱۶
۱۸۷	رفا حمزوی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	عباس عظیمی	۱۱۷
۱۸۸	رخیم غلامی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	شروین کمیانی	۱۱۸
۱۸۹	رفا سیفی کار	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	مسعودبیرنگ خجسته پور	۱۱۹
۱۹۰	وحید سهرمائی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	جلال شاهروندی	۱۲۰
۱۹۱	سید عرب بقفوی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	مسعود ترا بی	۱۲۱
۱۹۲	محمد علی جعفری	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	عباس مابودی	۱۲۲
۱۹۳	سیروس طاهری حقیقی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	نوذرتسلیمی	۱۲۳
۱۹۴	علام نشده	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	غلامرضا بیرونی	۱۲۴
۱۹۵	علام نشده	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	اکبر رفا نی	۱۲۵
۱۹۶	علام نشده	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	عبدالحمید نوبخت	۱۲۶
۱۹۷	حسن عبداللهی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	سمید نادری	۱۲۷
۱۹۸	عطاء الله قره دشتی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	امیر علی مینشی	۱۲۸
۱۹۹	نصیرا یمانی ذکا هی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	حسن احمدی	۱۲۹
۲۰۰	علا لدین عتگانی طالش	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	مهدی عبدالوهاب	۱۳۰
۲۰۱	مهد مهدی بادی دیز	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علی شایخی	۱۳۱
۲۰۲	سمیدانوری	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	محبت عبداللهی	۱۳۲
۲۰۳	علی مظلومی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	محمد بزرگی	۱۳۳
۲۰۴	سید محسن رفا نی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	جا برجها ندوست	۱۳۴
۲۰۵	غلامحسین شاهانی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	پرویز کلانتری	۱۳۵
۲۰۶	حیدر خاکسرای	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	محمد حسن میرزا با با زاده	۱۳۶
۲۰۷	امیرکیانی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	ابراهیم نعمتی	۱۳۷
۲۰۸	حمزه ثریبی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	سید صادق صادق زاده	۱۳۸
۲۰۹	محمدحسین ذوالفقاری	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	موسی محمد علی پورکا کپروی	۱۳۹
۲۱۰	محمد اشهد	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	کیوان حسن زاده سیاسی	۱۴۰
۲۱۱	منصور غفوری	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	طا هر رضا بی چمنی	۱۴۱
۲۱۲	سید جواد میرتقوی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	اصغر کریمی	۱۴۲
۲۱۳	محمود به نژاد	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	جواد علیمرادی	۱۴۳
۲۱۴	محمد خا مدصادق پور	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	طا هره حبیبی فرد	۱۴۴
۲۱۵	نا مرحسینی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	حسن کهیا رنژاد	۱۴۵
۲۱۶	محسن اسلامی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	ما برجفادلی	۱۴۶
۲۱۷	محمد رضا عامری	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	حمید ترا بی	۱۴۷
۲۱۸	مجید نوری	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	محمد علی آما می	۱۴۸
۲۱۹	مجید نجف بیگی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	محمد جواد شاهین	۱۴۹
۲۲۰	محمدحسین نظرزاده	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علی شیرازی	۱۵۰
۲۲۱	سید (علی) دریا نی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	مرتضی دشتیان	۱۵۱
۲۲۲	محمد جمالی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	منوچهر انتخا بی	۱۵۲
۲۲۳	فرها دزما نی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علی با قری	۱۵۳
۲۲۴	نا دردا بشلیم	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علی توتونچی	۱۵۴
۲۲۵	خلیل نورالهی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علام نشده است	۱۵۵
۲۲۶	ابرج امیرزادی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علام نشده است	۱۵۶
۲۲۷	مهرداد امینی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علام نشده است	۱۵۷
۲۲۸	علی کاشی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	سروش حاج محمدی	۱۵۸
۲۲۹	شهرام تقوی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	حسن درخشان	۱۵۹
۲۳۰	جها نگیز زینعلی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	حمید رضا بی	۱۶۰
۲۳۱	حسین عظیمی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	رفا سیدی	۱۶۱
۲۳۲	حیدر محمدی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	مسعود صدیان	۱۶۲
۲۳۳	بهروز خا چاقا محمدی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علیرضا راطبی	۱۶۳
۲۳۴	یوسف یوسفی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	محمدحسین مظلومی	۱۶۴
۲۳۵	علیرضا فرید حسینی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	احمد عزیز پور	۱۶۵
۲۳۶	ازدگان نی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	سید خما لی	۱۶۶
۲۳۷	امیر میرزما نی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	مسعود خا چگامی	۱۶۷
۲۳۸	نجید سا لاروند	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	محمد (مجید) حسینی	۱۶۸
۲۳۹	نهراد منصور بیگدلی	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	هدی عسگری	۱۶۹
۲۴۰	مهدی عسگریان	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	سید ضیا نبوی	۱۷۰
۱۷۲	علام نشده است	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	فرید نصیری	۱۷۱
۱۷۳	علام نشده است	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	عباس شهر باری	۱۷۲
۱۷۴	علام نشده است	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	تقی زما نی	۱۷۳
۱۷۵	علام نشده است	۶۰/۶/۲۱۷۶	شیراز	علیرضا صبا	۱۷۴



* بیش از ۶۰۰ اعلام در یکماه *

هر روز که میگذرد با دعا و دعا با تو رژیم گسترده تر و خونت با تر میگذرد، اگر در تیرماه رژیم حدود ۱۵۰ نفر را به جوخه های اعدام سپرد، و اگر در مرداد ماه ۳۰۰ نفر را انقلابیون را اعدام کرد، در شهریور ماه رقم اعدام شدگان به بیش از ۵۰۰ نفر رسید است! اما این تنها لیست جنایتی است که رژیم رسماً اعلام کرده است. با این لیست با بدنام زبانی راکه بی محاکمه و بدون اعلام رسمی اعدام شده اند و همچنین انقلابیون را که در نبردهای خیابانی بدست جلادان رژیم شهید شده اند اما که طی سه ماه گذشته رفا مرسمی شهدای اعلام شده ۱۱۰۰ بوده است ولی آثار واقعی شهدای خلق طی این مدت از مرز ۱۵۰۰ نفر هم گذشته است. اینها ربه همه شهدای خلق ما بوده اند رژیم دشمنان و آدمگان!

تاریخ	محل	نام	گروه
۱۹/۰۵/۶۰	بجنورد	مجتبی لنگرودی	مجاهدین خلق
"	"	مجتبی رضوان	"
"	"	سعید مرتضی	"
"	"	فرخا لله مجرد	"
"	"	شاهرخا سفرا این	توفان
۱۸/۰۵/۶۰	زینجان	عباس عربیان	مجاهدین خلق
"	"	مرتضی سلیمی	"
۱۹/۰۵/۶۰	چالوس	محمود حیدری	"
"	"	عادل نقاش	"
"	"	درویش علیها با پور	بابل
"	"	عبدالکریم باغش	"
"	"	سیدکاوه مقدس	آرمان مستغفین
"	"	جمشید پور قاسمی	فدایی خلق
"	"	اسما عیال عالمی	مجاهدین خلق
"	"	شعبان نبور	"
"	"	کورساروند	"
۱۷/قبل از ۲۶/۵	بندر عباس	علیرضا قاسمیان	چریکها و فدائی
"	"	محمد خراسی	"
"	"	عبدالمحمد نظری	مجاهدین خلق
"	"	کرامت برخوردار	"
"	"	مهدی ترابی	"
"	"	عباسعلی شریفیان	چریکها و فدائی
"	"	علی اصغر اولیائی	مجاهدین خلق
"	"	نقزاد	"
"	"	محمد رضا هاشمیان	"
"	"	اسدالله ملاح	"
"	"	علی محمد ترابی	"
۲۷/قبل از ۲۷/۵	تهران	بهرام حسینی	"
"	"	مسعود کریمی	"
"	"	محمد رضا سلطانی	"
"	"	علی اصغر قنبری	"
"	"	حسین قاسمی	"
"	"	رضا شهشانی	"
"	"	فضل الله دهنشتی	"
"	"	حمید روحانی	"
"	"	فریدون شیوخان بیگی	"
"	"	مصطفی مرادی	"
"	"	علیرضا رسولی	"
"	"	رفا راست جو	"
"	"	ماشا الله سنجری	"
"	"	حسین زراعی	"
"	"	موسی عمویی	"
"	"	مهدی حرمی	"
"	"	فریدون جلگلی ابیانه	"
"	"	عزت الله مشهدی تراهانی	"
"	"	علی اکبر فرد	"

"	"	رضا مقدس زاده	"	۴۶
"	"	محمد علی اکبریان نفاقی	"	۴۷
"	"	سعید غیور نجف آبادی	"	۴۸
"	"	شمس رحمتی	"	۴۹
اعلام نشده است	"	احمد تیمناک	"	۵۰
"	"	شهرام رجائی	"	۵۱
مجاهدین خلق	"	خلیل لاهوتی	"	۵۲
"	"	میرکمال عسکری	"	۵۳
"	"	علی محمد عسکری	"	۵۴
"	"	حیدریه	"	"
بیکبار	"	حسین علی جانی	"	۵۵
مجاهدین خلق	"	عباس حسن مسگر	"	۵۶
"	"	خلیل رحمت پور	"	۵۷
"	"	ابرج موسوی	"	۵۸
"	"	جها نبخش دست نشان	"	۵۹
"	"	مسعود مختاری	"	۶۰
"	"	رضا رحیمی	"	۶۱
از شما ۱۰ تا ۱۰ مرد ماه گذشته اعدام شده اند که در لیست مرداد ماه آورده نشده اند.	"	"	"	"
"	"	حمید امین زاده	"	۶۲
احتمالاً لامگی از	"	عبداللله سوفی	"	۶۳
مجاهدین خلق	"	عقیل ستوده	"	۶۴
بوده اند.	"	محسن قناعت پیشه	"	۶۵
"	"	محمد رضا نجیب زاده	"	۶۶
"	"	رضا معتمدی	"	۶۷
"	"	علی اتمام	"	۶۸
"	"	سعید ستوده	"	۶۹
"	"	حمید تقی زاده	"	۷۰
"	"	عقیل خلیلی	"	۷۱
"	"	عزیز جعفری	"	۷۲
"	"	نصرت الله مالچی	"	۷۳
"	"	نعمت الله دهنشتی	"	۷۴
"	"	الله کرم نیکخو	"	۷۵
"	"	سعید مهدی پور	"	۷۶
"	"	حیدر حق پناه	"	۷۷
"	"	مسعود دهنشتی	"	۷۸
"	"	عزت الله تقی زاده	"	۷۹
"	"	محمد انگالی	"	۸۰
"	"	عبدالرسول بوسفی شاد	"	۸۱
"	"	سعید کاظمی	"	۸۲
"	"	غلامرضا کشا ورز	"	۸۳
"	"	علی حکمت	"	۸۴
"	"	علی ارجمند	"	۸۵
"	"	تقی آل بنی	"	۸۶
"	"	دا ریوش انصاری	"	۸۷
کلا از مجاهدین	"	احمد دانش	"	۸۸
و طوقاً نا اعلام شده اند.	"	حجی شاکری	"	۸۹
"	"	رضا مجردی	"	۹۰
"	"	مسعود تائینیان	"	۹۱
مجاهدین خلق	"	علیرضا زمانی	"	۹۲
"	"	مجید قناریان	"	۹۳
"	"	علیرضا کاظمی	"	۹۴
"	"	نصرت الله ورزی	"	۹۵
"	"	کریم رهبر	"	۹۶
"	"	بهمن اسفندیاری	"	۹۷
اعلام نشده است	"	احمد جوروانی	"	۹۸
"	"	اصغر صغری	"	۹۹
"	"	پرویز خداوندگار	"	۱۰۰
مجاهدین خلق	"	علیرضا ربیعی	"	۱۰۱
فدایی خلق	"	عبدالرضا بیروانی	"	۱۰۲
مجاهدین خلق	"	سعید سیفی	"	۱۰۳
"	"	یوسف محبوبی	"	۱۰۴
"	"	محمود محبوبی	"	۱۰۵

بقیه در صفحه ۱۸

مبارزه با امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

پیام کانون مستقل معلمان تهران به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

معلمان و دانش آموزان مبارز!
سال تحصیلی جدید در شرایطی شروع
میشود که رژیم جمهوری اسلامی دست به
تجاوز گسترده ای علیه جنبش انقلابی
زده است. هر روز دهها تن از بهترین
فوزندان خلق به جوخه های اعدام حکومت
اسلامی سپرده میشوند. کوچکترین مخالفت
و اعتراض توده ها نسبت به سیاستهای
ارتجاعی و فزونی وسطائی رژیم با زندان
شکنجه و مرگ یا سخر داده میشود. سال تحصیلی
جدید در حالی آغاز میشود که هزاران
خانواده در سوگ عزیزان تهرانی ران شده -
شان داغ دارند. زندانهای رژیم جمهوری
اسلامی مملو از بهترین نوجوانان و جوانان
است که قلبشان برای آزادی می تپد و
جرمشان عشق و وفا داری به توده های محروم
و رنج دیده است. هزاران دانش آموز مجرم
فعالیت سیاسی در مدرسه از تحصیل محروم
گشته اند. حکومت جمهوری اسلامی که سعی
دارد با ایجاد رعب و وحشت در جامعه مردم
را از محنت مبارزه دور نماید در صدد است
تا مدارس را نیز بعنوان یکی دیگر از
سنگرهای آگامی و مبارزه به گورستانی
سرد و خاموش تبدیل نماید.

امروز حکومت در پی موج شدید سرکوب
توطئه وسیعی برای ایجاد اختناق در مدارس
تدارک دیده است. وزیر آموزش و پرورش -
اعلام میکند مسال سال "حاکمیت حزب
الله" در مدارس است و با پیدانجمن های
اسلامی تا شدید تقویت شوند، معلمان و
دانش آموزان بخوبی میدانند که انجمن
اسلامی در سال گذشته وظیفه ای جز جاسوسی
و قاطعانه با هر نوع آگامی دانش آموزان
نداشتند و منظور از تقویت انجمن اسلامی،
تقویت کانونهای جاسوسی و تبدیل
مدارس به پایگاهها و مراکز تفتیش عقاید
قرون وسطائی میباشد. رژیم جمهوری
اسلامی سال گذشته علیرغم سعی و کوشش
های فراوانی که کردند نتوانست دانش
آموزان را وادار نماید که جاسوس
همکلاسیهای خود باشند آنها بیشتر از
دانش آموزان میخواهند که دوستان مبارز
خود را معرفی کنند.

وزیر آموزش و پرورش با وفاحت تمام
از دانش آموزان تقاضا میکند با ساواک
۲۶ میلیونی !!! همکاری کنند.
از طرف دیگر حکومت که در فضای ترور
و خفقان لایحه با زسازی را تصویب نموده
است دست به تصفیه و اخراج وسیع معلمان
زده است اگر سال گذشته حدود ۴۰ هزار -
معلم بجرم آگامی بخشیدن به دانش آموزان
اخراج شدند با امروز تصفیه حتی شامل
کنائنی میشود که در مقابل اعمال ارتجاعی
رژیم چندان عکس العملی نشان ندادند
و معلمان اخراجی در معرض خطر دستگیری
بقیه در صفحه ۸

زندگی و مرگ چه گوارا الهام بخش انقلابیون جهان



گوارا، تاملاند، در سال ۱۹۵۶ با فیدل کاسترو
آشنا شد و دوش بدوش او در تریبا انقلابی
کوبا شرکت کرد و تا پیروزی نهائی
همراه خلق کوبا جنگید. چه گوارا پس از
پیروزی خلق کوبا عهده داری است بانگ
ملی این کشور و سپس وزیر صنایع کوبا شد.
در این مابوریت مهم بود که او با زمان
دادن اقتضا دکوبا، ارزنده ترین خدمت
را در راه استقرار پیروزی سوسیالیسم
در کوبا انجام داد.

اما ادا همچنین وظایفی با روحیه پر
شکر و سرکش و تفکر انتزاعی سبونا لیتش
سا زگار نبود، او خود را وقت انقلاب جهانی
بخصوص در آمریکای لاتین کرده بود و در راه
به شورسیدن یک دو، سه و... ویتنام در
تلاش بود. از پیرو در انتها میرسال ۱۹۶۶
با گروهی از انقلابیون در جنگلهای
بولیوی، مبارزه مسلحانه علیه رژیم ارتجاعی
با رتینکو دست زد و قهرمانان علیه نیرو
های دولتی که مستقیماً از جانب سازمان
جاسوسی آمریکا (سیا) هدایت میشدند
رزمیدویس از ۱۱ ماهه سرانجام دستگیر و در
اکتبر ۱۹۶۷ به برحمانه به قتل رسید.

چه گوارا در نامه "وداع" که دو سال
قبل از شهادت به پدر و مادرش نوشت به
بهترین وجهی افکارش را در باره انقلاب
ما رکسیسم و مبارزه مسلحانه ترسیم میکند
اونوشت:

"با ردیگرها شنه های کفش را و رکنه
و سپردوش راه دیگری را میگویم. تقریباً
ده سال پیش در چنین روزی نامه وداغ -
دیگری برایتان نوشتم، بطوریکه بیساده
دارم از اینکه نمیتوانستم سربا زبهرتر و
بزرگ حاذق ترها شمسخت تا سف غوردم.
اینکه پزشک حاذق تری باشم دیگر برایم
جالب نیست. اما امروز آنچه تان سربا ز
بدی نیست. هیچ چیز در جوهرم تغییر نیافته
بجز اینکه بسپار آگاهترم و ما رکسیزم در -
من ریشه دوانده و نایب تر گشته است.

مین به مبارزه مسلحانه به
بقیه در صفحه ۱۴

"مهم این نیست که مرگ ما را کجا
غافلگیر سازد. در هر حال ما آنرا با آغوش
با خواهیم پذیرفت بشرط آنکه خروش رزم
جوبا نه ما بگوش شنوای دیگری برسد و
دست دیگری سلحه ما را بردوش گیرد و مردان
دیگری برای خواندن سرود مرگ ما در میان
رگبار مسلسلها بیاهیزند و فریادهای جنگ
و پیروزی را طنین افکن کنند." "چه"
تا بیستان ۱۹۶۶ در پیا مبه کنفرانس سه
قاره نهم اکتبر (۱۷ مهرماه) سال ۱۹۶۷،
قلب جو شان انقلابی بزرگ، انتزاعی -
تالیست کبیر، چریک دلیر و خستگی ناپذیر
ارنستو چه گوارا با گلوله های مپریا لیسم
چهل تنی، در سرزمین بولیوی زتیش با ساز
ایستاد. برای لحظه ای جهان در ماتم و
سکوت فرو رفت اما خروش رزم جوبا نیسه
میلیونها گوش شنوا در سراسر کریتی بیسه
خاسته با فریادهای جنگ و پیروزی خود
فضای جهان را پر کردند!

ارنستو چه گوارا در ۱۶ ژوئن ۱۹۲۸ -
(۲۶ خرداد ۱۳۰۷) در روزاریو، دومین شهر
بزرگ آرژانتین دیده به جهان گشود. او
خیلی زود به یک انقلابی حرفه ای تبدیل
شد که برایش وطن در محدوده آرژانتین
خلاصه نمیشد. چه گوارا پس از یک دوره فعالیت
انقلابی در پيرو، کلمبیا، کوبا، ریگا و

خبری از نیروی هوایی

افسران با یگا ه جمع شوند و یک تیم تصفیه
برای اتمام کار آنان را همراهی خواهد
کرد. این پرسنل هیچکدام در این مدت
حق ورود به پایگاه را نخواهند داشت. در
پی اعتراضی که آنان در قبایل و صمیمت خود
به مسئولین پایگاه کرده بودند که به چه
اتهام، جرم یا دلیلی ما را باک سازی می
کنید جواب شنیده بودند که "ما نمیانیم
نیروی هوایی در قبایل با کما ز به پرسنل
هیچگونه رضایت نامه شغلی در اختیار آنان
نخواهد گذاشت.

در پی تصویب لایحه با زسازی نیروی
انسانی در مجلس نیروی هوایی اقدام به
اجرای آن نمود و در تاریخ ۲۹/۶/۶۰ ساعتی
۴۰۰ - ۶۰۰ نفر پرسنل را که اکثر آنان را
همه فرزان تشکیل میدهند برای با زسازی
در اختیار ریگانهای مربوطه قرار دادند
(البته این آما مربوط به یک روز فقط
با یگا ه یکم میباشد) در عرض ۳۸ ساعت به
این پرسنل ابلاغ شد که ارتش با شی آسان
گرفته شود (روز مرخمی اجباری به آسان
داده شد. به آنان گفته شد که روز مهرماه
همگی با هم برای تصفیه حساب در پایگاه -

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد